Qur'an through Qur'an & tradition

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

به اهتمام : دکتر محمد بیستونی

بسم الله الرحمن الرحیم

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

مشخصات کتاب

سرشناسه : بیستونی محمد، ۱۳۳۷ - عنوان و نام پدیدآور : قرآن از دیدگاه قرآن و عترت/ تالیف محمد بیستونی.

مشخصات نشر : قم بیان جوان ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : [۹۱] ص.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۶۴-۸۳۹۹-۹۰-۵

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری (فاپا (چاپ دوم))

یادداشت : چاپ اول: ۱۳۸۵ (فیپا).

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۸۸]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : قرآن-- بررسی و شناخت

موضوع : قرآن-- تحقیق

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴ ۱۳۸۷ /ب۹۵ق۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۷۰۷۴۴۷

فهرست مطالب

(۸۹)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

(۹۰)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

اَلْاِهْداءِ

اِلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ
رَسُولِ اللّهِ وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَ اِلی مَوْلانا
وَ مَوْلَی الْمُوَحِّدینَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ اِلی بِضْعَةِ
الْمُصْطَفی وَ بَهْجَةِ قَلْبِهِ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ وَ اِلی سَیِّدَیْ
شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، السِبْطَیْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ اِلَی الْاَئِمَّةِ التِّسْعَةِ
الْمَعْصُومینَ الْمُکَرَّمینَ مِنْ وُلْدِالْحُسَیْنِ لاسِیَّما بَقِیَّةِاللّهِ فِی الْاَرَضینَ وَ وارِثِ عُلُومِ
الْاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَةِ وَ الْمُدَّخِرِ لِاِحْیاءِ الْفَرائِضِ وَمَعالِمِ الدّینِ ،
الْحُجَّةِبْنِ الْحَسَنِ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمانِ عَجَّلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ فَیا مُعِزَّ
الْاَوْلِیاءِ وَیامُذِلَّ الْاَعْداءِاَیُّهَاالسَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْاَرْضِ وَالسَّماءِقَدْمَسَّنا
وَ اَهْلَنَا الضُّــرَّ فی غَیْبَتِــکَ وَ فِراقِــکَ وَ جِئْنـا بِبِضاعَـةٍ
مُزْجاةٍ مِنْ وِلائِکَ وَ مَحَبَّتِکَ فَاَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ مِنْ مَنِّکَ وَ
فَضْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا بِنَظْرَةِ رَحْمَةٍ مِنْکَ
اِنّا نَریکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ

(۴)

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذی اَنْزَلَ الْکِتابَ هُدیً لِلْمُتَّقینَ وَ الصَّلوةُ وَالسَّلامُ عَلی رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ الصّادِعِ بِالْحَقِّ الصّادِقِ الْاَمینِ وَ عَلی اَهْلِ بَیْتِهِ الْاَطْیَبینَ الْاَطْهَرینَ الْهُـداةِ الْمَهْـدِیّینَ سِیَّمَا الْکَهْـفُ الْحَصیـنُ وَ الْاِمـامُ الْمُبینُ صاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمـانِ الْحُجَّـةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْـدِیِّ عَجَّـلَ اللّهُ تَعالی فَرَجَهُ الشَّریفَ

مجمــوعه گــرانقــدر «قرآن از دیـدگاه قرآن و عترت» تـألیـف فاضــل گرانمایه جناب آقای دکتربیستونی دامت‌برکاته را مطالعه کردم از مدارک شـناخته شده و معتبره جمع آوری شده و به عباراتی زیبا ترجمه شده است. این کتاب پیرامون قرآن کریم و تلاوت آن و تدبّر در آیات شـریفه و پند گرفتن و بکاربستن آنها نوشته شده است، مطالعه آن، خواننده را با مقام عالی قرآن و منزلت والای آن آشنا می‌کند تا قاری قرآن بداند که با چه کتاب عظیمی روبرو است و چگـونـه باید آن را ارج نهد و از آن برای سعادت دنیـا و آخـرت خــویش بهــــره‌منـد گـــردد.

برادر عزیز ما جناب آقای حاج علی اصـغر سلیم زید عزه العالی به نشر این کتاب همت گماشته و قاریان قرآن مجید را به مطالعه آن دعوت می‌نماید خدای متعال این حسنه را از ایشان بپذیرد و والدین ایشان را از ثواب آن بهره‌مند سازد.

شیخ محمد تقی شریعتمداری

۱۶ ذیقعده‌الحرام ۱۴۲۷

(۵)

مقـــدمه

قرآن کریم از روزهای آغازین نزول تاکنون کانون توجه و بحث و گفتگوی اشـخاص و تمدن‌های مختلف بوده است. به نحوی که بسیاری از پیشـرفت‌های اعتقادی، علمی، اجتماعی، سیـاسی و اقتصـادی جـوامع مختلف مستقیم یا غیرمستقیم از این سرچشمه نور و هدایت سیراب شده و تـأثیـر پذیرفته است.

این کتـاب آسـمانی راهنمـای زنـدگی و عمـل و چراغ فروزان جـاودانه‌ای است بر معبر تاریـخ که در تـاریکزار زنـدگی انسان و در سده‌های دراز، انبوه انسان‌های سرگشـته را به مقصد اعلا و مقصود والا رهنمون گشته است. به همین سبب است که خداوند سبحان در کنـار ابلاغ قرآن کریم، تبیین و تفسـیر آن را برعهـده پیامبر صـلی‌الله‌علیه‌وآله گذاشـته و با صـراحت فرمود: «وَ اَنْزَلْنا اِلَيْكَ الـذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنّاسِ ما نُزِّلَ اِلَيْهِمْ : و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه‌را به‌سوی ایشان نازل شـده است توضـیح دهی» (۴۴/نحل).

شواهـد و قراین قطعی قرآنی، روایی و تـاریخی گواهی می‌دهـد که رسول خـدا صـلی‌الله‌علیه‌وآله از آغاز فرود آمـدن قرآن‌کریم به تفسـیر و تبیین آن می‌پرداخت و به‌پیروی‌از سیره آن حضرت، اهل بیت علیهم‌السلام و بعضی از صحابه نیز به تفسیر قرآن کریـم روی آورده و مکاتـب تفسـیری به وسـیله شاگـردان بـارز صحــابـه ـ یعنی تابعین ـ گسترش یافت و بعد از آنان اندیشمندان مسلمان در طـول قـرون گـذشته با روش‌هـای گـوناگـون به تفسیر قرآن کریم پرداخته و می‌پـردازنـد.

کتـابی که مـا و شـما هم اکنون در محضـر آن هستیم معرفی قرآن کریم از نگاه اهل بیت علیهم‌السـلام می‌باشـد که بنابه سـفارش و تشویق برادر فرزانه جناب‌آقای‌حاج‌علی اصـغر سـلیم و با اسـتفاده از کتاب سـفینۀالبحار مرحوم حاج شـیخ عباس قمی و مجموعه ۱۵ جلدی میزان الحکمۀ، تألیف آیۀاللّه ری شهری تدوین شده است که بدینوسیله از ایشـان تشکـر و قـدردانی می‌شود.

هدف‌از گردآوری‌این مجموعه‌آشـنایی بازیبایی‌ها و عظمت‌این‌کتاب‌آسـمانی به زبان ساده و مختصـرمی‌باشدکه موجب انس هر چه بیشتر جامعه خصوصاجوانان‌عزیزباقرآن‌کریم‌خواهد بود.

امیـد است بـا ترویـج فرهنگ قرآن کریم و بکارگیری محتوای آن در زنـدگی فردی و اجتماعی، جـزء مخـاطبین بیان اعتراض‌آمیز پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز قیامت نباشیم آنجا که می‌فرماید: «يا رَبِّ اِنَّ قَوْمِی اتَّخَذُوا هذَاالْقُرْآنَمَهْجُورا» پروردگارا! این قوم من از قرآن دوری جستند.(۱)

دکتر محمد بیستونی

تهران ـ ۱۷/۵/۸۵

مصادف با ۱۳ رجب سالروز ولادت قرآن ناطق علی‌ابن ابیطالب علیه‌السلام

(۱) ۳۰ / فرقان .

(۶)

نَوِّرُوا بُيُوتَكُمْ بِتَلاوَةِ الْقُرْآنِ

خانه‌های خود را با خواندن قرآن نورانی کنید

الکتاب

«وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعا مِنَ الْمَثَانِي وَ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ(۱).»

«و براستی که تو را سبع المثانی (سوره فاتحه) و قرآن بزرگ عطا کردیم».

«وَ لَقَدْ يَسَّرنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ(۲) »

«و قطعا قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم. پس آیا پند گیرنده‌ای هست؟»

۱

رسولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

أيُّها النّاسُ إنَّكُم فی زَمانِ هُدْنَةٍ و أنْتُم علی ظَهرِ سَفَرٍ وَ السَّيرُ بِكُم سَرِيعٌ فقَدْ رَأيْتُمُ اللَّيلَ و النَّهارَ وَالشَّمْسَ و الْقَمَرَ يُبْلِيانِ كُلَّ جَديدٍ وَ يُقَرِّبانَ كُلَّ بَعيدٍ و يَأْتِيانِ بِكُلِّ مَوعِدٍ وَ وَعيدٍ، فَأعِدُّوا الْجِهازَ لِبُعدِ الْمَفازِ .

فَقامَ المِقدادُ بنُ الاْسْوَدِ الكِنْدیُّ فقالَ : يا رَسُولَ اللّهِ ، فَما تَأْمُرُنا نَعْمَلُ ؟ فَقالَ أنّها دارُ بَلاءٍ و ابتِلاءٍ و انقِطاعٍ و فَناءٍ فَإذا التَبَسَت عَلَيكُمُ الاُمُورُ كَقِطَعِ اللَّيلِ المُظلِمِ فَعَلَيْكُم بِالْقُرآنِ فَإنَّهُ شافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ ماحِلٌ مُصَدَّقٌ ، مَنْ جَعَلَهُ أمامَهُ قادَهُ إلَی الجَنَّةِ و مَن جَعَلَهُ خَلفَهُ ساقَهُ إلَی النّارِ وَ هُوَ الدَّليلُ يَدُلُّ عَلَی السَّبيلِ و هُوَكِتابُ تفصيلٍ و بَيانٍ و تَحصيلٍ، وَ هُوالْفَصلُ لَيسَ بِالْهَزلِ و لَهُ ظَهْرٌ و بَطنٌ ، فَظاهِرُهُ حُكْمُ اللّهِ و باطِنُهُ عِلمُ اللّهِ تَعالی ، فظاهِرُهُ وَثيقٌ وَ باطِنُهُ لَهُ تُخومٌ و علی تُخومِه تُخومٌ ، لا تُحصی عَجائِبُهُ وَ لا تُبلی غرائبُهُ فيهِ مَصابيحُ الهُدی و مَنارُ الحِكمَةِ و دليلُ المَعرِفَةِ لِمَن عَرَفَ النَّصَفَةَ ، فَلْيوغِ (۳) رجُلٌ

(۱) ۸۷ / حجر

(۲) ۱۷ / قمر

(۳) كذا فی المصدر و الصحيح فَلْيُرْعِ.

(۷)

بَصَرَهُ، ولْيَبلُغِ النَّصَفَةَ نَظرُهُ، يَنجُ(۱) مِن عَطَبٍ(۲) وَ يَتَخَلَّص مِن نَشَبٍ(۳) فأنّ التَّفكُّرَ حَياةُ قَلبِ البَصيرِ، كما يَمشی المُستَنيرُ، والنورُ يُحْسِنُ التَّخَلُّصَ وَ يُقِلُّ التَّرَبُّصَ.(۴)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله :

ای مردم ! شما در زمان آسایش مهلت و آرامش هستید و بر مرکب سفر سوارید و شتابان شما را به پیش می‌برد . شاهد بوده‌اید که شب و روز و خورشید و ماه ، هر نوی را کهنه می‌کنند و هر دوری را نزدیک می‌گردانند و هر وعده و وعیدی را به‌انجام‌می‌رسانند.پس،برای‌پیمودن‌این‌صحرای‌دورودراز زادوتوشه‌فراهم‌آورید.

مقدادبن‌اسودکندی برخاست و عرض کرد : ای رسول خدا ! می‌فرمایید چه کنیم؟ فرمود : دنیا سرای بلا و ابتلا و به سرآمدن و نیست شدن است. پس ، هرگاه کارها همچون پاره‌های شب تار بر شما تاریک و شبهه‌ناک شد ، به قرآن روی آورید ؛ زیرا قرآن شفیعی است که شفاعتش پذیرفته است و شاکی و خصمی است که شکایتش قبول می‌شود. هر که قرآن را فراپیش خود قراردهد، او را به سوی بهشت کشاند و هرکه آن را پشت سر خویش نهد ، به سوی دوزخش براند . قرآن راهنمایی است که راه را نشان می‌دهد ، قرآن کتاب تفصیل و روشنگری و تحصیل (حقایق) است . جداکننده میان حق و باطل است و شوخی بردار نیست . ظاهری دارد و باطنی ، ظاهرش حکم و دستور خداست وباطنش علم خدای متعال. پس، ظاهر آن محکم و استوار است و باطنش عمق‌ها دارد و عمق‌هایش باز عمق‌ها دارد. شگفتی‌هایش بی‌شمار است و عجایب و غرایبش کهنه نمی‌شود . چراغ‌های هدایت و پرتوگاه‌های حکمت در قرآن‌است . برای کسی که انصاف داشته باشد

(۱) فی المصدر «ینجو» و الصحيح ما أثبتناه .

(۲) العطب: الهلاک. (لسان العرب: ۱/۶۱۰) .

(۳) اَنْشَبَ فی‌الشیء:اذا وقع فیما لا مخلص له منه. (لسان العرب: ۱/۷۵۷).

(۴) نـوادرُ الـرّاونـــــدی : ۲۱ ، ۲۲ .

(۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

راهنمای به سوی معرفت و شناخت است . پس ، باید آدمی دقت‌نظر کند و انصاف را پیش چشمش آرد، تا از هلاکت رهایی یابد و از تنگنا بـه درآیـد ؛ زیراکه‌اندیشیدن، مـایه حیـات دل شـخص بینـا و بـا بصـیـرت اسـت، همچنـان‌که آدمی به‌نـور چراغ در تاریکی‌ها راه می‌پیمـایـد و نیکو می‌رهـد و کـم (در شبهـات و تـاریکـی‌هـا) منتظـر می‌ماند .

۲

الحارثُ الأعوَرُ: دَخَلتُ علی امیرِ المؤمنینَ علیِ‌بن‌ابی طالبٍ علیه‌السلام ، فقلتُ : یا امیرَ المؤمنینَ،إنّاإذاکُنّاعِندَکَ‌سَمِعْناالذی‌یَشُدُّ(نَشُدُّ) بِهِ دینَنا ، و إذا خَرَجنا مِن عِنْدِکَ‌سَمِعْنا أشیـاءَ مُخْتَلِفَةً مَغموسَةً، لانَـدری ماهِیَ؟ قالَ: أوَ قَـد فَعَلـوهـا؟ قال قلـتُ: نَعَـم.

قالَ : سَمِعتُ رسولَ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله یقولُ : أتانی جَبرَئیلُ فقالَ : یا محمّدُ ؛ سَیَکُونُ فـی اُمَّتِکَ فِتنَــةٌ. قلـتُ: فَمَـاالْمَخْـرَجُ مِنهـا ؟ فقــالَ : کتابُ اللّهِ ، فیهِ بَیانُ ما قَبلَکُـم مِـن خَبـرٍ وَ خَبـرُ ما بَعـدَکُم، و حُکـمُ مابَینَکُم... (۱)

حـارث اعور گفت : خـدمت امیرالمؤمنین علی بن ابی طـالب علیه‌السـلام رسیدم و عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، ما وقتی در حضور شما هستیم، سـخنانی می‌شنویم که با آنها دین خود را استوار می‌گردانیم. اما وقتی از خدمت‌شمامی‌رویم، مطالب گوناگون تاریکی می‌شـنویم که نمی‌دانیم چیستند (با سخنان شبهه‌انگیزی روبه‌رو می‌شـویـم). حضـرت فـرمـود: آیا مرتکب آن کار شدند؟(مقصود مخالفت با حضرت می‌باشد) عرض کردم: آری. فرمود: شنیـدم کـه رسـول خــدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فـرمـایـد: جبـرئیـل نـزد من آمـد و گفـت: ای محمّـد! بـزودی در میان امّت فتنه‌ای پدید خواهـد آمد. من گفتـم: راه نجـات از آن، چیســت؟ گفـت: کتاب خدا، که در آن خبرهای پیش از شمـا و بعـد از شمـا و حکـم آنچـه میـان شمـاست، بیـان شده است .

(۱) تفسیرالعیّاشیّ: (ج۱، ص۳، حدیث۲،انظرتمام‌الحدیث).

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۹)

۳

رسـولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

عن‌الحسن‌بن‌علی علیه‌السلام قال قیل : اِنَّ اُمَّتَکَ سَتُفتَتَنُ ، فَسُئِلَ : مَا الْمَخْرَجُ مِن ذلکَ ؟ ـ: فقال کتابُ اللّهِ العَزیزُ ، اَلَّذی لایَأتیهِ‌الْباطِلُ مِن بَینِ یَدَیْهِ وَ لا مِن خَلفِه، تَنزیلٌ مِن حَکیـمٍ حَمیـدٍ، مَـنِ ابتَغَـی الْعِلـمَ فـی غَیــرِه اَضَلَّــهُ اللّه‌.. (۱)

چون به رسول خـدا صـلی‌الله‌علیه‌وآله گفته شد: بـزودی امّت تو گرفتار فتنه خواهد شد، (پس پرسیدند) راه خلاص از آن چیست؟ فرمـود: کتـاب گرامی خـدا، همـان کـه باطـل نــه از پیـش رو و نــه از پشت ســرش بـدو راه نیابـد، فرود آمـده، از سـوی حکیمی ستـــوده است. هر که علم را در جز قرآن بجوید، خــداونـد گمــراهش کنــد.

۴

أمیـرُالْمُـــؤْمِنینَ علیه‌السلام :

فی‌صفةِالقرآنِ ـ جَعَلَـهُ اللّه‌رِیّـا لِعَطَـشَ العُلَمـاءِ، و رَبیعـا لِقُلـوبِ الفُقَهـاءِ، وَ مَحـاجَّ لِطُـرُقِ الصُّلَحــاءِ، و دَواءً لیـسَ بَعــــدَهُ داءٌ، و نـــورا لیــسَ مَعــهُ ظُلمَـــةٌ .(۲)

امام علی علیه‌السلام ، در وصف قرآن، می‌فرماید: خداوند، قرآن را مایه زدودن عطش دانشمندان و بهار دلهای فهمیدگان و شاهراه درستکاران قرار داد و دارویی که با وجـود آن دیگـر دردی بـاقـی نمی‌مـاند و نوری که با آن ظلمتی همراه نیست .

۵

عنـــه علیه‌السلام :

اعلَمُوا أنَّ هذاالقرآنَ هُو الناصِحُ الذی لا یَغُشُّ، و الهادی الذی لا یُضِلُّ، و المُحَدِّثُ

(۱) تفسیـــر العیّـــاشـیّ : (ج ۱، ص ۶ ، حدیث ۱۱ ، انظـــر تمـــام الحدیث) .

(۲) نهـــج البـــلاغة: الخطبــة ۱۹۸، شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید: ۱۰/۱۹۹.

الذی لایَکذِبُ، وَ ماجالَسَ هذَاالْقُرْآنَ اَحَدٌالّاقامَ عَنْهُ بِزِیادَةٍ اَوْ نُقْصانٍ ؛ زِیادَةٍ فی هُدًی اَوْ نُقْصـانٍ مِـنْ عَمًی .(۱)

بدانیـدکه ایـن قرآن خیراندیشـی اسـت کـه خیـانت نمی‌ورزد و راهنمـایی است کـه گمراه نمی‌کنـد و گوینـده‌ای‌است کـه دروغ نمی‌گویـد. هیـچ‌کس با این قرآن ننشست، مگر این‌که با افزایشـی یا کاهشـی از نزد آن برخاست: افزایش در هـدایت از کاهش در کـوری و گمـراهی .

۶

عنــه علیه‌السلام :

اِنَّ اللّهَ سُبْحـانَهُ لَـمْ یَعِـظْ اَحَـدا بِمِثْلِ هـذَا الْقُرْآنِ فَاِنَّهُ حَبْلُ‌اللّهِ الْمَتینُ وَ سَبَبُهُ الْامینُ، و فیـه رَبیـــعُ القَلـبِ، و یَنـابیـعُ العِلـــمِ، و ما للقَلــبِ جَـلاءٌ غَیرُهُ.(۲)

خداوند سبحان، هیچ کس را به چیزی مانند این قرآن اندرز نداده است ؛ زیرا قرآن ریسمان محکم خدا و دستاویـز مطمئن اوست. در این قرآن بهار دل است و چشمــه‌هـای دانـش و بـرای صیقـل دادن دل، چیـــزی جـز آن وجود ندارد.

۷

عنــه علیه‌السلام :

فَالْقُرْآنُ آمِرٌ زاجِرٌ ، وَ صامِتٌ ناطِقٌ، حُجَّةُاللّهِ عَلی خَلْقِه، اَخَذَعَلَیْهِ میثاقَهُمْ، وَارْتَهَنَ عَلَیْهِـــــمْ اَنْفُسَهُـــمْ.(۳)

قرآن فرمان دهنده‌ای است بازدارنده و خاموشی است گویا. حجت خدا بر خلق

(۱) نهـــج البـــلاغة: الخطبـــة ۱۷۶، شـرح نهـج البلاغة لابن أبی الحدید: ۱۰/۱۸.

(۲) نهـــج البـــلاغة: الخطبـــة ۱۷۶، شـرح نهـج البلاغة لابن أبی الحدید: ۱۰/۳۱.

(۳) نهـــج البـــلاغـة: الخطبـة ۱۸۳، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید: ۱۰/۱۱۵.

اوست، از آنان نسبت به (عمل به) قرآن پیمان گرفت و جانشان را گروگان آن کرد.

۸

عنــه علیه‌السلام :

اَفضَـــلُ الـــذِّکـــرِ القـــرآنُ، بِـــه تُشـرَحُ الصُّـــدورُ و تَستَنیـرُ السَّـرائـرُ .(۱)

بهترین یادآوری (و سخن) قرآن است ؛ با قرآن است، که سینه‌ها فراخ می‌شود و درونها روشـــن می گـــردد.

۹

عنـه علیه‌السلام :

فَتَجلّی لَهُم سبحــانَهُ فــی کتابِه مِن غَیرِ ان یَکُونوا رَأوهُ بمــا أراهُم مِن قُــدرَتِــه.(۲)

خداوند سبحان، خـویش را در کتـابش به آنچه از قدرتش نمود، بـی آن کـــه او را ببیننـــد، نشـــان داد .

۱۰

الامـامُ زیـنُ العـابــدیـن علیه‌السلام :

لَوْ ماتَ مَنْ بَیْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ اَنْ یَکُونَ الْقُـرْآنُ مَعِـیَ.(۳)

اگر همه مردم از شرق تا غرب عالم بمیرند، با وجود قرآن در کنار من، هرگز احساس وحشت وتنهایی نکنم.

(۱) غــررالحکـم: ۳۲۵۵ .

(۲) نهـــج البـلاغــه : خطبه ۱۴۷ ، شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید : ۹/۱۰۳ .

(۳) الکـــافی : ۲/۶۰۲/۱۳ .

(۱۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۱۱

الإمـــامُ الصّـادقُ علیه‌السلام :

مَــن لـــم یَعـــرِفِ الحَـــقَّ مِـــن القـــرآنِ لـم یَتَنَکَّــبِ الفِتَـــنَ .(۱)

کسی که حقیقت را از طریق قـرآن نشنـاسـد، از (گـزنـد) فتنه‌ها بر کنار نماند.

۱۲

أمیـرُ الْمُـــؤْمِنینَ علیه‌السلام :

القــــرآنُ أفضَـــلُ الهِــــدایَتَیـــنِ.(۲)

قـرآن، بـرتـرین دو هدایت (کننده) اسـت .

۱۳

اللّـــهَ اللّـــهَ فِـی الْقُـــرْآنِ ، لا یَسْبِقْکُـــمْ بِـــالْعَمَـــلِ بِـــه غَیْـــرُکُـــمْ .(۳)

خدا را! خـدا را! دربـاره قرآن، مبادا دیگـران در عمـل به آن، بر شما پیشی گیرند.

۱۴

أمیـــرُالْمُـــؤْمِنینَ علیه‌السلام :

کتـابُ‌اللّهِ تُبصِرُونَ بِه ، و تَنطِقُونَ بِه ، و تَسـمَعُونَ بِه ، و یَنطِقُ بَعضُهُ بِبَعضٍ، و یَشـهَدُ بَعضُــهُ علی بَعـضٍ، و لا یَختَلِـفُ فی اللّهِ، و لا یُخـالِفُ بِصـاحِبِـه عـنِ اللّـهِ . (۴)

این کتاب خداست که با آن (حق را) می‌بینید و می‌گویید و می‌شنوید و قسمتی از آن برقسمت دیگرش ، گویا می‌گردد و برخی از آن، بر برخی دیگر گواهی می‌دهد و درباره خدا (حق و احکام او یا جذب خلق به سوی خدا) اختلافی ندارد و پیرو خود را از خدا، جدا نمی‌سازد.

(۱) المحاسن : ۱/۳۴۱/۷۰۲ .

(۲) غـــرر الحکـم : ۱۶۶۴ .

(۳) نهـج البلاغة: الکتاب ۴۷ .

(۴) نهج البلاغه ، خطبه ۱۳۳ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۱۳)

قرآن پیشوا و رحمت است

الکتاب

«وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَاما وَ رَحْمَةً وَ هذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانا عَرَبِيّا لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ بُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ(۱).»

«و پیش از آن، کتابِ موسی پیشوا و رحمت بود. و این قرآن به زبان عربی کتابی تصدیق کننده (آن) است. تا کسانی را که ستم کرده‌اند هشدار دهد و برای نیکوکاران مژده‌ای باشد» .

«أَفَمَنْ كَانَ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَاما وَ رَحْمَةً(۲).»

«آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و شاهدی از (خویشان) او پیرو او است و پیش ازوی (نیز) کتاب موسی پیشوا و رحمت بوده است (همچون کافر گمراه است)؟»

۱۵

أميرُالْمُؤْمنينَ عليه‌السلام :

اِنَّهُ سَيَأْتى عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدى زَمانٌ لَيْسَ فيهِ شَىْءٌ اَخْفى مِنَ الْحَقِّ ، وَ لا اَظْهَرَ مِنَ الْباطِلِ ... فَالْكِتابُ وَ اَهْلُهُ فى ذلِكَ الزَّمانِ فِى النّاسِ وَ لَيْسَا فيهِمْ ، وَ مَعَهُمْ وَ لَيْسَا مَعَهُمْ ! لاَنَّ الضَّلالَةَ لا تُوافِقُ الْهُدى، وَ اِن اجْتَمَعا . فَاجْتَمَعَ الْقَوْمُ عَلَى الْفُرْقَةِ ، وَ افْتَرَقُوا عَلَى الْجَماعَةِ، كَاَنَّهُمْ اَئِمَّةُ الْكِتابِ وَ لَيْسَ الْكِتابُ اِمامَهُمْ ، فَلَمْ يَبْقَ عِنْدَهُمْ مِنْهُ اِلاَّ اسْمُهُ ، وَ لا يَعْرِفُونَ اِلاّ خَطَّهُ وَ زَبْرَهُ .(۳)

بزودی پس از من روزگاری بر شما بیاید، که در آن روزگار چیزی ناپیداتر از حق نیست و آشکارتر از باطل نه... پس، قرآن و اهل آن در آن روزگار در میان مردم

(۱) ۱۲ / احقاف

(۲) ۱۷ / هود

(۳) نهج البلاغة : الخطبة ۱۴۷ .

هستند و نیستند. با آنان هستند و نیستند! (به ظاهر در میان مردم به سرمی‌برند اما در اندیشه و کردار با مردم آن روزگار فاصله زیادی دارند) ؛ زیرا که گمراهی با هدایت سازش نمی‌کند، هر چند در کنار هم باشند. پس مردم بر تفرقه و جدایی همداستانند و دسته جمعی متفرقند، گویی که آنان پیشوایان قرآنند نه قرآن پیشوای آنان. پس، در میان آنان از قرآن جز نامش، چیزی باقی نماند و جز خط و رسمش، چیز دیگری از آن نشناسند .

قرآن نیکوترین سخن است

الکتاب

«اللّه‌نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابا مُتَشَابِها مَثَانِىَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللّه(۱).»

«خدا نیکوترین سخن را (به صورت) کتابی همسان ، متضمن وعده و وعید نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می‌هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می‌افتد. سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می‌گردد» .

۱۶

رسولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

إنَّ أحسَنَ الحَديثِ كتابُ اللّهِ ، و خَيرُ الهُدى هُدى محمّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله ، و شَرَّ الاُمورِ مُحدَثاتُها . (۲)

نیکوترین‌سخن، کتاب خداست و بهترین روش، روش محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است و بدترین امور (دردین)،بدعتهاست.

(۱) ۲۳ / زمـر

(۲) البحـــار : ۷/۱۲۲/۲۳ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۱۵)

۱۷

أمیرُ الْمُـــؤْمِنیــنَ علیه‌السلام :

إِنَّ أحسَـــنَ الْقَصصِ و أبْلَـغَ الْمَـوعِظَــةِ و أنفَـعَ التَّـذكُّرِ کِتابُ اللّهِ جَلَّ و عَزَّ .(۱)

بهترین داستان و رساترین اندرز و سودمندترین پند، کتاب خدای عزّ و جلّ است.

۱۸

رسولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

أصـــــدَقُ القَـولِ و أبلَـــغُ المَـــوعِظَـــةِ و أحسَــــنُ القَصصِ کتـابُ اللّــهِ . (۲)

راست‌تـــرین سخــن و رسـاتــرین انــدرز و بهتــرین داستان، کتاب خداست.

۱۹

أمیرُ الْمُـــؤْمِنینَ علیه‌السلام :

تَعَلَّمُوا کتابَ اللّهِ تبارکَ و تعالی ؛ فَأَنّهُ أحسَنُ الحَدیثِ و أبلَغُ المَوعِظَةِ ، و تَفَقَّهُوا فیه فَإِنّهُ رَبیعُ القُلوبِ ، وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِه فَإِنَّه شِفاءٌ لِما فِـی الصُّــدورِ ، و أحسِنُوا تِلاوَتَهُ فَـأِنّــهُ أحْسَنُ الْقَصصِ . (۳)

کتاب خـدای تبارك و تعالی را بیاموزیـد ؛ زیرا که آن نیکوترین سـخن و رساترین انـدرز است و قرآن را بفهمید ؛ زیرا که آن بهار دلهاست و از نور آن شـفا جوییـد ؛ زیرا که آن شـفابخش بیماری‌های سـینه‌هاست و آن را نیکو تلاوت کنید ؛ زیرا که آن بهتـرین ، داستـــان است .

(۱) الکافـــی : ۸/۱۷۵/۱۹۴ .

(۲) الفقیـــه : ۴/۴۰۲/۵۸۶۸ .

(۳) تحـــــف العقـــــول : ۱۵۰ .

(۱۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۲۰

عنـــه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

فَضــلُ القـــرآنِ علــی ســـائـرِ الکــلامِ کَفَضـلِ اللّهِ علی خَلقِـهِ .(۱)

برتری قرآن بـر دیگـر سخنان، همچون بـــرتـری خـدا بـر خلـــق خــــــود اســــت.

۲۱

أمیرُ الْمُؤْمِنینَ علیه‌السلام :

أحسِنُـوا تِـلاوَةَ القـرآنِ فـإنّـهُ أنفَـعُ القَصـصِ، واستشفُوا بِه فانّهُ شِفاءُ الصُّدورِ. (۲)

قــرآن را نیکــو (و با دقت) تــلاوت کنیــد ؛ زیــرا که آن، ســودمنـــدترین داستان است از آن شفــا جـوییــد ؛ زیــرا کــه آن، شفـــای سینه‌هـــاست.

قرآن همیشه نو است

۲۲

أميرُالْمُؤْمِنينَ عليه‌السلام :

لا تُخْلِقُـــــهُ كَثْـــــرَةُ الـــــرَّدِّ ، وَ وُلُـــوجُ السَّمْـــــعِ .(۳)

قرآن هر اندازه هم تكرار شود و به گوش خورد، باز كهنه نمى‌شود .

۲۳

الإمامُ الصّادقُ عليه‌السلام

لمّا سُئِلَ: ما بالُ القرآنِ لا يَزدادُ عَلَى النَّشرِ و الدَّرسِ إلاّ غَضاضَةً؟ ـ قال لأنَّ اللّه تبارَكَ و تعالى لم يَجعَلْهُ لِزمانٍ دونَ زَمانٍ، و لا لِناسٍ

(۱) البحار: ۷۷/۱۱۴/۸ و ۹۲/۱۹/۱۸ .

(۲) غررالحكم: ۲۵۴۳ .

(۳) نهج البلاغة: الخطبة ۱۵۶، شرح نهج البلاغة لابن أبى الحديد: ۹/۲۰۳ .

دونَ ناسٍ، فهُو فى كلِّ زَمانٍ جَديدٌ، و عِند كُلِّ قَومٍ غَضٌّ إلى يَومِ القِيامَةِ .(۱)

از امام صادق عليه‌السلام سؤال شد: چه سرّى است كه قرآن هر چه بيشتر خوانده و بحث شود، بر تازگى و طراوت آن افزوده مى‌شود؟ حضرت فرمود: چون خداى تبارك و تعالى، آن را تنها براى زمانى خاص و مردمى خاصّ قرار نداده است. از اين رو، در هر زمانى و براى هر مردمى، تا روز قيامت، تازه و باطراوت‌است.

۲۴

الْإمامُ‌الرِّضا عليه‌السلام :

فى صِفَةِ القرآنِ ـ: هُو حَبلُ اللّهِ المَتينُ ، و عُرْوَتُهُ الْوُثْقى ، و طَريقَتُهُ الْمُثلى ، اَلْمُؤدِّى اِلَى الْجَنّةِ، وَ الْمُنجى مِنَ‌النّارِ ، لا يَخلُقُ عَلَى الْأزْمِنَةِ ، و لا يَغِثُّ عَلَى الْألسِنَةِ ، لِأنّه لَمْ يُجْعَلْ لِزَمانٍ دونَ زَمانٍ ، بَل جُعِلَ دَليلَ البُرهانِ ، وَ الْحُجَّةَ عَلى كُلِّ إنسانٍ ، لايَأتيهِ الباطِلُ مِن بَينِ يَدَيهِ و لا مِن خَلفِه تَنزيلٌ مِن حَكيمٍ حَميدٍ . (۲)

امام رضا عليه‌السلام ، در وصف قرآن ، مى‌فرمايد : قرآن ريسمان محكم خدا و دستگيره استوارش و راه برتر اوست كه به بهشت مى كشاند و از آتش مى‌رهاند و بر اثر گذر زمان‌ها، كهنه نمى‌شود و برسرزبان‌ها ، انحطاط و تباهى نمى‌پذيرد ؛ چرا كه قرآن براى زمان خاصّى قرار داده نشده . بلكه به عنوان راهنماى به سوى برهان و حجت بر هر انسانى در نظر گرفته شده است . نه از پيش رو و نه از پشت سرش باطل به آن راه نيابد ، فرود آمده از سوى حكيمى ستوده ، است .

(۱) البحار: ۹۲/۱۵/۸. و عن يعقوب بن السكّيت النحوى قال: سألت أبا الحسن الثالث عليه‌السلام ما بال القرآن ـ و ذكر نحوه ـ البحار: ۹۲/۱۵/۹ .

(۲) عيون اخبار الرضا ۷ ۲/۱۳۰/۹ .

قرآن هميشه به روز و تازه است

۲۵

عُيُونُ أَخْبار الرِّضا عليه‌السلام : عَنِ الرِّضا، عَنْ أَبيهِ عليهماالسلام ،

أَنَّهُ سُئِلَ أَبُو عَبْدِاللّهِ علیه‌السلام : ما بالُ الْقُرْآنِ لا یَزْدادُ عَلَی النَّشْرِ وَ الدَّرْسِ إلاّ غَضّاً؟ : فَقالَ: لِأنَّ اللّه تَبارَکَ وَ تَعالی لَمْ یَجْعَلْهُ لِزَمانٍ دُونَ زَمانٍ، وَ لا لِناسٍ دُونَ ناسٍ، فَهُوَ فی کُلِّ زَمانٍ جَدیدٌ، و عِنْدَ کُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إلی یَوم القِیامَةِ .(۱)

کتاب عیون اخبار الرضا (از شیخ صدوق" ره): "از حضرت رضا علیه‌السلام از پدرش علیهم‌السلام سؤال شد از امام ششم علیه‌السلام : چه دلیلی است در کار قرآن که در اثر نشر و درس آن زیاد نمی‌شود مگر تازگی و طراوت آن پس فرمود: این برای آن است که خداوند تبارک و تعالی آن را قرار نداده برای زمانی غیر زمان دیگر و نه برای مردمی غیر مردم دیگر (اختصاص به یک زمان و یک عدّه خاص ندارد) پس آن در هر زمانی تازه است و در نزد هر قومی تازه و نو رسیده است تا روز قیامت.

(۱) سَفینَةُ الْبِحار، شیخ عباس قمی، جلد چهارم .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۱۹)

قرآن شفادهنده بزرگ‌ترین بیماریهاست

الکتاب

«وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْانِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنینَ وَ لا یَزیدُ الظّالِمینَ اِلّا خَسارا(۱).»

«و از قرآن آنچه را که برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است، نازل می‌کنیم (ولی) ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید».

«یآاَیُّهَاالنّاسُ قَدْجآءَتْکُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ شِفاءٌ لِما فِی الصُّدُورِ وَ هُدًی وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنینَ(۲).»

«ای مردم! به یقین برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان، آمده است».

«وَ لَوْ جَعَلْناهُ قُرْانا اَعْجَمِیّا لَقالُوا لَوْلا فُصِّلَتْ ایاتُهُ ءَ اَعْجَمِیٌّ وَ عَرَبِیٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذینَ امَنُوا هُدیً وَ شِفاءٌ وَ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ فی اذانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَیْهِمْ عَمیً اُولئِکَ یُنادَوْنَ مِنْ مَکانٍ بَعیدٍ(۳).»

«و اگر این کتاب را قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم، قطعا می‌گفتند: چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده‌است؟ کتابی‌غیرعربی و (مخاطب آن) عرب زبان؟ بگو: این کتاب برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است و کسانی که ایمان نمی‌آورند، در گوشهایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است و (گویی) آنان را از جایی دور ندا می‌دهند» .

۲۶

أمیرُالْمُؤْمِنینَ علیه‌السلام :

انّ فیهِ شِفاءً مِن أکبَرِ الداءِ، و هُو الکُفرُ والنِّفاقُ، و الغَیُّ و الضَّلالُ. (۴)

در قرآن، درمان بزرگترین دردهاست: درد کفر و نفاق و تباهی و گمراهی.

(۱) ۸۲ / اسراء

(۲) ۵۷ / یونس

(۳) ۴۴ / فصّلت .

(۴) نهج البلاغة: الخطبة ۱۷۶، شرح نهج‌البلاغة لابن أبی الحدید: ۱۰/۱۹.

(۲۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۲۷

الإمـامُ الحَسَـنُ علیه‌السلام :

إنَّ هـذَا الْقُرآنَ فیهِ مَصابیحُ النُّورِ وَ شِـفاءُ الصُّدُورِ فَلْیَجْلُ جالٍ بِضَـوْئِهِ وَلْیُلْجِمُ‌الصِّفـةَ قَلْبَـهُ ، فَإنَّ التّفکیرَ حَیـاةُ الْقَلْـبِ الْبَصیـرِ کمـا یَمشِـی الْمُستَنیرُ فِی الظُّلُماتِ بِالنّـورِ.

براستی که در این قرآن، چراغ‌های روشـنایی (بخش) و شفای سینه‌ها (و بیماری‌های دلهـا) است . پس ، جـلا دهنـده ، بـایـد که بـه نـور آن (دیـده دل خـویش را) جلاـ دهـد و قلبش را بـدان صـفت لگـام زنـد ؛ زیراکـه اندیشـیدن مـایه حیـات دل شـخص با بصیرت‌است ، همچنان که آدمی در تاریکی‌ها، با کمک نور راه خود را می‌پیماید .

۲۸

أمیـرُالْمُـؤْمِنیـنَ علیه‌السلام :

عَلَیکُـم بکتـابِ اللّهِ ؛ فـإنّـهُ الحَبـلُ المَـتیـنُ، و النــورُ المُـبیـنُ، و الشِّفــاءُ النــافِـعُ... مَـن قـالَ بِـهِ صَـدَقَ، و مَـن عَمِـلَ بِـهِ سَبَـقَ. (۱)

بر شـما بـاد به کتاب خـدا، که آن ریسـمان محکم و نور روشـنگر و داروی سودمنـد و شـفابخش است... هر که به آن سـخن گوید راست گفته است و هر که به آن عمل کند، پیشـی گیـرد. (۲)

(۱) نهـج البـلاغـة: الخطبة ۱۵۶، شـرح نهـج البلاغة لابن أبی الحـدیـد: ۹/۲۰۳ .

(۲) به نظـر می‌رسـد اشـاره حضـرت این باشـد که چنیـن کسـی از جملـه سابقـون اسـت که در آیـه «السّـابِقُـونَ السّابِقُـونَ أُوْلئِـکَ الْمُقَرَّبُـونَ» (۱۰ و ۱۱ / واقعه) به آن اشـاره شـده اسـت.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۲۱)

قرآن شفای دردهای جسمی و روحی شماست

۲۹

إنَّ الْقُرْآنَ هُوَ الـدَّواءُ، وَ إنَّ فیهِ شِـفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ، وَ إنَّ مَنْ لَمْ یَسْـتَشْفِ بِهِ فَلا شَـفاهُ اللّهِ، وَ مَنْ قَرَأَ مِائَهَ آیَهٍ مِنْ أَیِّ آیِ الْقُرْآنِ شاءَ ثُمَّ قالَ سَبْعَ مَرّاتٍ: یا اَللّهُ، فَلَوْ دَعا عَلَی الصُّخُـورِ قَلَعَهـا. (۱)

به درستی که قرآن دواء است و به درستی که در آن شـفا است از هر دردی و بـدرستی که هر کس طلب تندرستی نکند از آن پس خداونـد او را تنـدرست نگردانـد و هرکس صـد آیه آن را بخوانـد از هر جـای قرآن که باشـد پس هفت بار یااللّه بگـویـد اگـر بر سنگهـای سخت نفرین کند خداوند آنهـا را از جا برمی‌کند .

قرآن ثروتی است که با آن تهی‌دستی نباشد

۳۰

الإمام الصّادقُ علیه‌السلام :

مَـن قَـرَأ القــرآنَ فهُــو غِنــیً لا فَقـرَ بَعـــدَهُ .(۲)

هر که قرآن خواندن بداند ، قرآن ثروتی است‌که باآن تهی‌دستی‌نباشد.

۳۱

أمیرُالْمُؤْمِنینَ علیه‌السلام :

اعْلَمُــوا أَنَّــهُ لَیْـسَ عَلی اَحَـدٍ بَعْـدَ الْقُرْآنِ مِـنْ فاقَــةٍ، وَ لا ـ لاَحَــدٍ قَبْـلَ الْقُـرْآنِ مِـنْ غِنًــی؛ فَـاسْتَشْفُـوهُ مِـنْ اَدْوائِکُـمْ ، وَ

اسْتَعينُوا بِـه عَلـى لَأْوائِكُـمْ .

(۱) سَفينَةُ الْبِحار، شيخ عباس قمی، جلد چهارم .

(۲) معانی الأخبار: ۲۷۹ .

(۲۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

بـدانید که هیـچ کـس را پس از آموختـن قـرآن، نیـازمنـدی نیسـت و هیچ کس را پیـش از آمـوختـن آن، تـوانگـری نـه . پس شفـای دردهـای خود را از قـرآن بخـواهیـد و در گرفتاری‌هایتان، از آن کمـک طلبیـد.

۳۲

رسـولُاللّه ِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

مَن اُعطِيَ الْقرآنَ فَظَنَّ أنّ أحَدااُعطِيَ أكثَرَ مِمّااُعْطِيَ فَقَدْعَظَّمَ صَغيراو صَغَّرَ كبيرا. (۱)

به هر کس (نعمت دانستن) قرآن داده شود و با این حال گمان کند که به دیگری نعمتی‌بالاتر و بیشترازاین‌نعمت‌او داده‌شده‌است، بیگمان‌کوچکی‌را بزرگ شمرده و بزرگی‌راکوچک.

(انظر) الغِنی: باب ۳۱۱۲.

بزرگی‌وشرافت‌انسان‌ها بستگی به‌نسبت آگاهی‌آنها به‌قرآن دارد

۳۳

قالَ رَسُولُ اللّه ِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

أَشْـرافُ اُمَّتـی حَمَلَـةُ الْقُرْآنِ وَ أَصْحـابُ اللَّيْـلِ. (۲)

اشـراف و بـزرگـان امّت مـن قـرآن دانـان و شـب‌زنـده‌داران هستنـد .

(۱) معانی‌الأخبار:۲۷۹.

(۲) سَفينَةُ الْبِحار، شيخ عباس قمی، جلد چهارم .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۲۳)

علوم و اخبار موجود در قرآن

۳۴

أميـرُالْمُـؤْمِنيـنَ علیه‌السلام :

فِـي‌الْقُـرْآنِ نَبَـأُ مـا قَبْلَكُـمْ ، وَ خَبَـرُ ما بَعْـدَكُـمْ ، وَ حُكْـمُ مـا بَيْنَكُـمْ .(۱)

در قرآن اخبار پیشینیان و اخبار آیندگان و احکام امور جاری شمـا آمـده است .

۳۵

عنـه علیه‌السلام :

ألا إنَّ فيـهِ عِلـمَ مـا يَـأتِي، و الحَديثَ عنِ الماضِي، و دَواءَ دائكُم، و نَظمَ ما بينَكُم .(۲)

بدانیـد، کـه در قرآن علـوم مربوط بـه آینـده و سـخن از گذشـته و داروی درد شـما و آنچـه مـایـه نظـم و سـامـان میـان شمـاسـت، وجـود دارد.

۳۶

الإمــامُ الصّـادقُ علیه‌السلام :

فیـهِ خَبَـرُکُـمْ وَ خَبَـرُ مَنْ قَبْلَکُمْ وَ خَبَـرُ مَـنْ بَعْـدَکُـمْ وَ خَبَـرُ السَّمـاءِ وَ الاَرْضِ وَلَـــوْ اَتــــاکُـمْ مَــنْ یُخْبِـــرُکُـــمْ عَـــنْ ذلِــکَ لَتَعَجَّبْتُــــمْ .(۳)

اخبار مربوط به شـما و پیشـینیان و آیندگان شما و خبرهای آسمانها و زمین، در این قـرآن است و اگـر کسـی بیـاید که شما را از آنها آگاه کند، بیگمان شگفت‌زده خـواهیـــد شـــد .

(۱) نهـج البـلاغـة: الحکـمـة ۳۱۳، شرح نهـج البـلاغـة لابن أبی الحدید: ۱۹/۲۲۰ .

(۲) نهـج البـلاغـة: الحکـمة ۱۵۸، شـرح نهـج البلاغة لابن أبی الحـدیــد: ۹/۲۱۷ .

(۳) الکافی : ۲/۵۹۹/۳ و ۱/۶۰/۶ .

(۲۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۳۷

الإمــامُ الصّـادقُ علیه‌السلام :

ما مِن أمرٍ یَختَلِفُ فیهِ اثنانِ اِلّا و لَهُ أصلٌ فی کتابِ اللّهِ عَزَّ و جلَّ، و لکـن لا تَبلُغُهُ عُقـولُ الـرِّجـالِ . (۱)

هیچ موضوعی نیست که دو نفر در آن اختلاف نظر پیـدا کنند، مگر این که ریشه آن در کتـاب خـدای عـز و جـل هســت، امـا خـردهای مردم به آن نمی‌رسد.

آموختن قرآن

۳۸

الإمــامُ الصّـادقُ علیه‌السلام :

یَنْبَغـی لِلْمُـؤْمِـنِ اَنْ لا یَمُـوتَ حَتّـی یَتَعَلَّـمَ الْقُـرْآنَ اَوْ یَکُـونَ فـی تَعَلُّمِه. (۲)

سـزاوار است کـه مـؤمـن پیش از آن کـه بمیـرد، قرآن را بیاموزد یا در حال آمـوختـن آن بمیـرد.

۳۹

رسـولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

القــرآنُ مَــأدُبَـــةُ اللّهِ، فَتَعَلَّمـــــوا مَـــأدُبَتَـــــهُ مـــا استَطَعتُـــــــم .(۳)

قـرآن سفـره ضیـافـت خـداست . پس تا می‌توانید از ضیافت او فراگیـرید .

(۱) الکـافی : ۲/۵۹۹/۳ و ۱/۶۰/۶ .

(۲) الدعوات للراوندیّ : ۲۲۰/۶۰۰ .

(۳) البحـار: ۹۲/۱۹/۱۸ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۲۵)

۴۰

أمیــرُالْمُـؤْمِنینَ علیه‌السلام :

تَعَلَّمُـوا الْقُـرْآنَ فَـاِنَّـهُ اَحْسَـنُ الْحَـدیـثِ، وَ تَفَقَّهُـوا فیـهِ فَـاِنَّـهُ رَبیـعُ الْقُلُـوبِ ، وَ اسْتَشْـفُـوا بِنُـوره فَـاِنَّـهُ شِفـاءُ الصُّـــدُورِ ، وَ اَحْسِنُـوا تِـــلاوَتَـهُ فَاِنَّـهُ اَنْفَـــعُ الْقَصَـــصِ . (۱)

قــرآن را بیـامـوزیـد، کـه آن نیکـوتـریـن سخـن اســت. در آن انـدیشـــه کنیـد، کـه آن بهـار دلهـاست. از نـورش شـفـا

جـوییـد، کـه آن شفابخش سینه‌هاست و نیکو (و بـا دقّت) بخـوانیـدش ؛ زیـرا کـه آن سودمنـدترین داستـــان اســت .

۴۱

رَسُـولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

إن أرَدتُم عَیشَ السُّعَداءِ و مَوتَ الشُّهَداءِ و النَّجاةَ یَومَ الحَسرَةِ و الظِّلَّ یَومَ الحَرورِ و الهُـدی یَومَ الضَّلالَةِ فَادرُسُوا القرآنَ ؛ فإنّهُ کلامُ الرَّحمنِ و حِرزٌ مِن الشَّیطانِ و رُجحانٌ فی المیزانِ.(۲)

اگر زنـدگی نیکبختـان و مردن شهیـدان و نجـات در روزحسرت و داشـتن‌سایه در روز ســوزان و هــدایت در روز گمـراهی را می‌خـواهیـد، قرآن را یاد بگیرید؛ زیـرا که قرآن، سخن خدای مهربان و مایه حفظ از شیطان و سنگینی ترازو(ی اعـمال) است .

(۱) نهج البلاغة: الخطبة ۱۱۰ .

(۲) البحار : ۹۲/۱۹/۱۸ .

۴۲

عنـه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

خِیـارُکُم مَـــن تَعَلَّمَ القـرآنَ و عَلَّمَـــهُ. (۱)

بهترین شما، کسی است کـه قـرآن را بیـاموزد و (به دیگـران) آموزش دهد.

۴۳

الإمـــامُ الصّادقُ علیه‌السلام :

مَنْ مـاتَ مِنْ اَوْلِیائِنـا وَ شیعَتِنا وَ لَمْ یُحْسِنِ الْقُرْآنَ عُلِّمَ فی قَبْرِه لِیَرْفَعَ اللّهُ فیهِ دَرَجَتَهُ، فإنَّ دَرَجـاتِ الجَنَّةِ علی قَدرِ عَدَدِ آیاتِ القرآنِ فیقالُ لقارِئِ القرآنِ: اِقرَأْ وَ ارْقَ .(۲)

هرکس از دوستـان و شـیعیان مـا که بمیرد و قرآن را خـوب بلـد نباشـد، در قـبرش قرآن به آو آموخته شود تـا خداونـد به سبب آن درجه‌اش را بالا برد؛ زیرا درجات بهشت به اندازه شمار آیات قرآن است. پس به قرآن خوان گفته شـود: بخوان و بـالا رو .

ضرورت توجه به محتوای قرآن

۴۴

عَنْهُ صلی‌الله‌علیه‌وآله قالَ: کَـــمْ مِـنْ قـارِئِ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ یَلْعَنُهُ! (۳)

پیـامبر صـلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: چه بسیـار از قـاریـان قرآن که قرآن آنهـا را (به دلیـل عـدم تـوجــه بـــه محتـوا و پیـام قـرآن) لعنــت می‌کنـد.

(۱) البحــــــار: ۹۲/۱۸۶/۲.

(۲) البحــــار: ۹۲/۱۸۸/۱۰ .

(۳) سَفینَــــــةُ الْبِحـــــار، شیــــخ عبـــاس قمـــی، جلـد چهـارم .

ثواب آموزش دادن قرآن

۴۵

أمیـــرُالْمُـــؤْمِنیـــنَ علیه‌السلام :
حَـقُّ الـوَلَـدِ عَلَی الْوالِـدِ أن یُحَسِّـنَ اسْمَـهُ، و یُحسِّـنَ أدَبَـهُ، و یُعَلِّمَهُ القرآنَ.(۱)
ازجمله حقوق‌فرزند برپدر،این‌است که نامی‌نیکو براو بنهد و بخوبی تربیتش کند و قـرآن را به او بیـامـوزد.

ترغیب به حفظ کردن قرآن

۴۶

الإمـــام الصّـــادقُ علیه‌السلام :
اَلْحـافِظُ لِلْقُــرْآنِ الْعـامِـلُ بِـه مَـعَ السَّفَــرَةِ الْکِـــرام الْبَـــــرَرَةِ.(۲)
حافظ قرآن که به آن عمل کند، همراه فرشتگان پیغام‌آور ارجمند و نیکوکار، است.

۴۷

رَسُـــــــــولُ اللّهِ صلی‌اللهعلیه‌وآله :
لعلیٍّ علیه‌السـلام ـ : اُعَلِّمُـکَ دُعـاءً لا ـ تَنسَـی الْقرآنَ ، قُلْ : اَللّهُمَّ ارحَمْنی بِتَرکِ مَعاصِیکَ أبـدا ما أبقَیتَنی، وَارْحَمْنی مِن تَکَلُّفِ ما لا یَعنِینی ، وارزُقْنی حُسنَ النَّظَرِ فیما یُرضِیکَ ، و ألزِمْ قَلبی حِفظَ کتابِکَ کما عَلَّمتَنی ، وارزُقْنی أن أتلُوَهُ علَی النَّحوِ الذی یُرضیکَ عَنِّی . اللّهُمّ نَوِّرْ بکتابِکَ بَصَری ، واشرَحْ به صَدری ، و أطلِقْ بِه لِسانی ، واستَعمِلْ به بَدَنی، و

(۱) نهج البلاغه : الحکمة ۳۹۹ .
(۲) الکـــــافـــــی : ۲/۶۰۳/۲ .

(۲۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

قَـوِّنی بِـه علـی ذلـکَ ، و أعِنِّی علَیهِ ، إنّهُ لا یُعینُ علَیهِ ألاّ أنتَ ، لا إله اِلاّ أنتَ .(۱)
پیامبرخـدا صـلی‌اللهعلیه‌وآله به علی علیه‌السـلام فرمـود: دعـایی به‌تـو می‌آمـوزم که قرآن را فرامـوش نکنی ، بگـو : بارخـدایا! به من رحمت آر که تا زنده هستـم ، هیچ گاه نافرمانی تو نکنم و به من رحمت آر که در چیزهای بیهوده ، به زحمت نیفتم و نیک‌اندیشی در آنچه که تو را خشـنود می‌کنـد ، روزیم فرمـا و حفظ کردن کتابت را آن گونه که به من آموختی با قلبم ملازم و همراه گردان و تلاوت آن را به گونه‌ای‌که تو را از من خشـنودگرداند، روزیم فرما . بارخـدایا! به وسـیله کتابت دیده (بصـیرت) مرا روشن گردان و سینه‌ام را فراخ سـاز و زبـانم را بـاز و گویـا کن و پیکرم را در راه آن به کـار گیر و در این باره با قرآن نیرویم بخش و بر آن کمکم فرما ، که در این زمینه جز تو کسی کمک نکند . معبــودی جــز تـو نیست .

۴۸

رَسُولُ اللّهِ صلی‌اللهعلیه‌وآله ـ مِن دعائِه ـ :
اللّهُمّ ارحَمْنی بتَرکِ مَعاصِیکَ أبَدا مـا أبقَیتَنی ، وارزُقْنی حُسنَ النَّظرِ فیمـا یُرضِیکَ عَنّی ، و ألزِمْ قَلبی حِفـظَ کتابِکَ کما عَلَّمتَنی ، واجعَلْنی أتلُوهُ علَی النَّحوِ الـذی یُرضِیکَ عَنّی . اللّهُمّ نَوِّرْ بکتابِکَ بَصَری ، و اشـرَحْ بِهِ صَـدری، و فَرِّحْ بِهِ قَلبی، و أطلِقْ بِه لِسانی، و استَعمِـلْ بِـه بَـدَنـی، و قَـوِّنی علـی ذلـکَ ، فـإنّـهُ لا حَولَ و لا قُوَّةَ ألاّ بکَ . (۲)
بارخـدایا! به من رحمت آر که تـا زنـده هسـتم، هیچگـاه نافرمـانی تو نکنم و نیک‌اندیشـی در هر آنچه که تو را خشـنود می‌سـازد ، روزیم فرما و حفظ کردن

(۱) البحـار : ۹۲/۲۰۸/۵ .
(۲) قرب الإسناد : ۵/۱۶ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۲۹)

کتابت را بدان گونه که به من آموختی ، بادلم ملازم و همراه گردان و چنان کن که قرآن را آن گونه که تو را از من خشنود می گرداند ، تلاوت کنم. بار خدایا! دیده (بصیرت) مرا به کتابت روشن نما و به وسیله آن سینه‌ام را فراخ گردان و دلم را با آن شاد ساز و زبانم را به آن باز و گویا کن ، بدنم را در راه آن به کار گیر و در این زمینه نیرویم بخش ؛ زیرا که هیچ حرکت و قدرتی جز به وسیله تو نیست .

(انظر) الأمثال: باب ۳۶۱۷.

الترغیب و الترهیب: ۲/۳۶۰ «دعاء حفظ‌القرآن»

فهم قرآن

۴۹

و رُوِیَ أَنَّ رَجُلاً تَعَلَّمَ مِنَ النَّبِیِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله الْقُرْآنَ، فَلَمَّا انْتَهی إلی قَوْلِهِ تَعالی: «فَمَن یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَیْرا یَرَهُ. وَ مَن یَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرّا یَرَهُ» (۱)، قالَ: یَکْفینی هذِهِ، وَ انْصَرَفَ، فَقالَ رَسُولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله : اِنْصَرَفَ الرَّجُلُ وَ هُوَ فَقیهٌ. (۲)

مردی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قرآن می‌آموخت پس وقتی که رسید به گفتار خدای تعالی (فَمَنْ یَعْمَل مثقال... پس هر کس به اندازه سنگینی ذره‌ای کار خیر انجام داده آن‌را می‌بیند) گفت: همین یک آیه مرا کفایت می کند و برگشت. پس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: این شخص در حالی از نزد ما رفت که فقیه (دانای به قرآن و دین) شد .

(۱) ۷ ـ ۸ / زلزال .

(۲) سَفینَةُ الْبِحار، شیخ عباس قمی، جلد چهارم .

(۳۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

تشویق به مرور کردن قرآن در ذهن

۵۰

الإمـامُ الصّـادقُ علیه‌السلام :

مَن نَسِیَ سُورَةً مِن القرآنِ مُثِّلَت لَهُ فی صُورَةٍ حَسَنةٍ و دَرَجةٍ رَفیعَةٍ ، فإذا رَآها قالَ: مَنْ أنتِ؟ ماأحسَنَکِ! لَیتَکِ‌لی! فتقولُ: أماتَعرِفُنی؟ أناسُورَةُکذاوکذا،لَوْ لَمْ تَنسَنی لَرَفَعتُکَ إلی هذا المَکانِ.(۱)

هرکس سوره‌ای از قرآن را فراموش کند ، آن سوره (در بهشت) به صورتی زیبا و درجه‌ای رفیع در برابرش مجسم می‌شود و چون او را ببیند ، گوید : تو کیستی؟ چقدر زیبایی ! کاش از آنِ من بودی . جواب دهد : مرا نمی‌شناسی ؟ من فلان و بهمان سوره هستم.اگر مرا فراموش نکرده بودی ، تو را به این مکان بالا می‌آوردم .

(انظر) وسائل الشیعة: ۴/۸۴۵ باب ۱۲

الکافی: ۲/۵۷۶

پاداش قرآن دانان

۵۱

رسولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

حَمَلَةُ الْقُـرْآنِ هُـمُ الْمَحْفُوفُونَ بِـرَحْمَـةِ اللّهِ اَلْمُلبَسُونَ بِنُورِ اللّهِ عَزَّ و جلَّ .(۲)

این قرآن دانانند که محاط در رحمت‌خدا و پوشیده‌به‌نور خدای عز و جل هستند.

۵۲

عنـــه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

حَمَلَـةُ الْقُرْآنِ عُرَفاءُ اَهْلِ الْجَنَّةِ ، وَ الْمُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللّهِ قُوّادُها ، وَ الرُّسُلُ سادَةُ

(۱) ثواب الأعمال : ۲۸۳/۱ .

(۲) جـــامـــع الأخبـــار : ۱۱۵/۲۰۲ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۳۱)

اَهْــــلِ الْجَنَّـةِ . (۱)

قرآن دانـان، رؤسای (قبیلـه) بهشتیانند و مجاهـــدانِ در راه خـــدا، سرداران بهشـت و پیـامبران، سـروران اهـل بهشت هستند.

۵۳

أمیـرُالْمُـؤْمِنیـنَ علیه‌السلام :

اِقـرَؤوا القـرآنَ و استَظهِـرُوهُ ، فإنّ اللّـهَ تعـالی لا یُعَذِّبُ قَلبا وِعـاءَ(۲) القرآنِ.(۳)

قرآن را بخوانید و آن را حفظ کنید ؛ زیرا خدای متعال دلی را که ظرف قرآن است، عــذاب نمـی‌کنـــد.

آنچه که زیبنده قرآن‌دان است

۵۴

رسـولُ‌اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

إنَّ اَحَـقَّ النّـاسِ بِـالتَّخَشُّـعِ فِی السِّرِّ وَ الْعَلانِیَـةِ لَحامِـلُ الْقُرْآنِ وَ اِنَّ اَحَقَ‌النّاسِ فِی السِّرِّ وَ الْعَـلانِیَـةِ بِالصَّــلاةِ وَ الصَّـوْمِ لَحـامِلُ الْقُــرْآنِ. (۴)

سزاوارترین مردم به خشوع داشتن نهانی و آشکار در برابر خدا، قـرآن‌دان است. سزاوارترین مردم به نماز خواندن و روزه گرفتن در آشکار و نهان، قرآن‌دان است.

(۱) مستــدرک الـوسـائل : ۱۱/۷/۱۲۲۷۵ .

(۲) کذا فی المصدر، و الظاهر: وعی القرآنَ .

(۳) جــامع الأخبـــار : ۱۱۵/۲۰۵ .

(۴) الکافی : ۲/۶۰۴/۵ .

(۳۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

تشویق به تلاوت قرآن

الکتاب

«اِنَّ الَّذینَ یَتْلُونَ کِتابَ اللّهِ وَ اَقامُوا الصَّلوةَ وَ اَنْفَقُوا مِمّا رَزَقْناهُمْ سِـرّا وَ عَـلانِیَةً یَـرْجُـونَ تِجــارَةً لَـنْ تَبُــورَ». (۱)

«همانـا کسانی که کتاب خـدا را تلاوت می‌کننـد و نماز را به پای می‌دارنـد و از آنچه روزیشـــان کـردهایـم، در نهـان و آشکـار،

انفاق می کنند، امید به تجارتی بسته‌اند که هـر گـز کسـاد نمی‌شود».

۵۵

أمیـــرُالْمُــؤْمِنینَ علیه‌السلام :

لِقــاحُ الإیمانِ تِـلاوَةُ القـــــرآنِ.(۲)

بارور شــدن ایمــان به تــلاوت قـرآن اســت.

۵۶

عنه علیه‌السلام :

مَــن أنِــسَ بِتِـــلاوَةِالقــرآنِ لـــم تُــوحِشُــهُ مُفــارَقَـةُ الإخــوانِ . (۳)

هر که به تلاوت قرآن انس گیرد ، جدایی برادران او را به وحشت تنهایی نیندازد .

۵۷

رَسُـولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

علَیکَ بقِراءةِالقرآنِ؛ فأنّقِراءتَهُ کَفّارةٌللذُّنوبِ،و سَترٌفیالنارِ، و أمانٌ مِن العذابِ . (۴)

(۱) ۲۹ / فــــاطــر

(۲) غررالحکم: ۷۶۳۳ .

(۳) غررالحکم : ۸۷۹ .

(۴) البحار : ۹۲/۱۷/۱۸ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۳۳)

برتو باد، خواندن قرآن؛ زیرا خواندنآن کفّاره‌گناهاناست و پرده‌ای دربرابرآتش و موجبایمنیاز عذاب.

۵۸

أمیـــرُالْمُــؤْمِنیــنَ علیه‌السلام

عنـدَ خَتمِهِ القرآنَ ـ: اللّهُمّ اشـرَحْ بالقرآنِ صَدری ، واستعمِلْ بالقرآنِ بَدَنی ، و نَوِّرْ بالقرآنِ بَصَـری ، و أطلِقْ بالقرآنِ لِسانی ، و أعِنِّی علَیهِ ما أبقَیتَنِی ، فإنّهُ لا حَولَ و لاقُـــوّةَ إلّا بــــکَ .(۱)

أمیرُالْمُؤْمِنینَ علیه‌السلام : پس از ختم قرآن ، این دعـا را می‌خوانـد : بارخـدایا! سـینه‌ام را بـا قرآن فــراخ گـردان و بـدنـم را بــا (احکـام) قـرآن به کـار گیـر و دیـده‌ام را بـا قرآن روشـنایی بخش و زبانم را با قرآن باز و گویا کن و تا زنـده‌ام ، مرا برای عمل به قـرآن یــاری فـرمــا ، کــه حرکــت و قــدرتــی جــز به وسیلـه تو نیست . البحار: ۹۲/۳۶۹ باب ۱۲۶

جایگاه انسان در بهشت متناسب با نسبت پایبندی به قرآن است

۵۹

إنَّ دَرَجاتِ الْجِنانِ عَلی عَدَدِ آیاتِ الْقِرْآنِ، فَإذا کانَ یَوْمَ الْقِیامَةِ یُقالِ لِقارِئِ الْقُرْآنِ: اِقْــــــــرَأْ وَ ارْقَ .(۲)

درجــات بهشــت بر عــدد آیـات قرآن است، پس هنگـامی که قیامت شود گفته می‌شـــود به خــواننــده قــرآن بخــوان و بـــالا رو .

(۱) البحار : ۹۲/۲۰۹/۶ .

(۲) سَفینَةُ الْبِحار، شیخ عباس قمی، جلد چهارم .

(۳۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

خواندن قرآن با صدای خوش

۶۰

رَسُـــولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

إنّ حُسـنَ الصَّـوتِ زینَـةٌ للقـرآنِ . (۱)

صدای خـوش، زیـــور قـرآن اســـت .

۶۱

عنـه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

زَیِّنُـوا القـرآنَ بِـــأَصـواتِکُـــم.(۲)

قــرآن را با صــداهــای (خــوش) خود، زینت بخشید.

۶۲

عنـه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

لمّاسُئلَ عن أحسَنِ الناسِ صَوتا بالقرآنِ ـ: مَن إذا سَمِعتَ قِراءَتَهُ رَأیتَ أنّهُ یَخشَی اللّهَ. (۳)

در پـاســـخ به ایـن ســـؤال کـه چـه کســـی قـرآن را از همه خوشـتر می‌خوانـد ، فرمـود : کسـی که هرگـاه قرآن خوانـدن او را بشنــوی ، تـرس و خشیّـت از خـدا را در او ببینی .

(۱) البحــار : ۹۲/۱۹۰/۲ .

(۲) البحار : ۹۲/۱۹۰/۲ و ص ۱۹۵/۱۰ .

(۳) البحار : ۹۲/۱۹۰/۲ و ص ۱۹۵/۱۰ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۳۵)

۶۳

عنـه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

إنَّ مِن أحسَنِ الناسِ صَوتا بالقرآنِ الذی إذا سَمِعتُمُوهُ یَقرَأُ حَسِبتُموهُ یَخشَی اللّهَ.(۱)

از جمله خوش صــداترین مردم در قرائت قــرآن ، کســـی است کــه وقتــی بشنــوی قــرآن می‌خــــوانـد گمـان بـــری کـــه از خـــدا می‌تـرســـد .

۶۴

الإمامُ الصّادقُ علیه‌السلام :

کـانَ علیُّ بنُ الحسـینِ صـلواتُ‌اللّهِ علَیهِ أحسَنَ النـاسِ صَوتا بِالْقرآنِ، و کانَ السَّقّاؤونَ یَمُرُّونَ فَیَقِفُونَ ببابِهِ یَسـمَعُونَ قِراءَتَهُ، و کانَ أبو جعفرٍ علیه‌السلام أحسَنَ‌النــاسِ صَـــوتا. (۲)

علی‌بن الحسـین صـلوات اللّه علیه قرآن را ازهمه‌مردم خوش‌تر می‌خواند . به طوری که وقتی سـقّاها از در خانه حضرت می‌گذشتند، می‌ایستادند و به صدای قرآن خواندن ایشان گوش می‌کردند. حضرت باقر علیه‌السلام ، نیز خوش آوازترین مردم بود .

۶۵

عنــه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

مـا بَعَـثَ اللّهُ عَزَّ و جلَّ نبیّا إلاّ حَسَنَ الصَّوتِ.(۳)

خداوند عز و جل هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگـر این کـه خـوش‌آواز بود .

(۱) التـرغیـب و الترهیب : ۲/۳۶۴/۹ .

(۲) الکافی : ۲/۶۱۶/۱۱ وح ۱۰ .

(۳) الکـافی : ۲/۶۱۶/۱۱ وح ۱۰ .

(۳۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

حق تلاوت

الکتاب

«اَلَّذینَاتَیْناهُمُالْکِتابَیَتْلُونَهُحَقَتِلاوَتِهِاوُلئِکَیُؤْمِنُونَبِهِ وَ مَنْیَکْفُرْ بِهِفَاوُلئِکَهُمُالْخاسِرُونَ(۱)»

«کسانی که به آنـان کتاب دادیم، آن را چنان که حق تلاوت آن است، تلاوت می‌کننـد. آنان به آن کتاب ایمان دارنـد و هر که به آن کفر ورزد، پس ایشان همان زیـانکـارانند» .

۶۶

أمیـرُالْمُـؤْمِنیـنَ علیه‌السلام :

اِلَی اللّهِ أشکُو مِن مَعشَرٍ یَعیشُونَ جُهّالاً و یَموتُونَ ضُلاّلاً ، لیسَ فیهِم سِلعَةٌ أبوَرُ مِنَ‌الْکِتابِ إذاتُلِـیَ حَـقَّ تِـلاوَتِـه، و لاسِلعَةٌ أنفَقُ بَیعا و لا أغلی ثَمَنا مِن الْکِتابِ إذا حُرِّفَ عَن مَـواضِعِه ! (۲)

به خـدا شـکایت می‌برم ، ازجماعتی‌که نادان می‌زیَنـد و گمراه می‌میرند . آن گاه که کتاب خدا چنان‌که باید و حق‌آن‌است، تلاوت شود، درمیان‌آنـان کالاـیی بی‌رونق‌تر از آن نیست و آن گـاه که معـانیش تحریف شود متـاعی بـا رونق‌تر و پربهاتر از آن ، برایشـان وجود ندارد .

۶۷

عنـه علیه‌السلام :

اِنَّـهُ سَیَـأْتی عَلَیْکُـمْ مِنْ بَعْـدی زَمـانٌ لَیسَ فیـهِ شَیْءٌ اَخْفی مِنَ الْحَقِّ ، وَ لا اَظْهَرَ مِنَ الْباطِلِ... لَیسَ عِنْدَ اَهْلِ ذلکَ الـزَّمانِ سِلْعَـةٌ أَبْوَرَ مِنَ الْکِتابِ اذا تُلِیَ حَقَّ تِلاوَتِه ، وَ لا اَنْفَقَ مِنْهُ اذا حُرِّفَ عَنْ مَواضِعِـه . وَ لا فِـی الْبِــلادِ شَــیْءٌ اَنْکَـرَ مِنَ

(۱) ۱۲۱ / بقـره

(۲) نهـج البـلاغـه: خطبه ۱۷ ، شــرح نهـج البـلاغـه لابــن أبــی الحـدیـد : ۱/۲۸۴ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۳۷)

الْمَعْـرُوفِ ، وَ لا اَعْرَفَ مِنَ الْمُنْکَرِ ! فَقَدْ نَبَـذَ الْکِتــابَ حَمَلَتُهُ ، وَ تَناساهُ حَفَظَتُهُ، فَالْکِتابُ یَوْمَئِـذٍ وَ اَهْلُهُ طَریدانِ مَنْفِیّانِ... وَ مِنْ قَبْلُ ما مَثَّلُوا بِالصّالِحیــنَ کُلَّ مُثْلَةٍ. (۱)

به زودی پس از من زمـانی بر شـما بیایـد، که در آن زمـان چیزی ناپیـداتر از حق و پیـداتر از باطل وجود نـدارد... در میان مردم آن روزگـار کالاـیی کسادتر از کتاب خـدا، هرگاه که به درستی و چنان که حق آن است تلاوت شود، وجود نـدارد و هرگاه معـانیش تحـریف شـود، متـاعی پر رونق‌تر از آن نیست. در شهرها چیزی ناپسنـدتـر از کـار نیـک و پسنـدیـده‌تـر از کـار زشت وجود نـدارد ؛ زیـرا قـرآن‌دانـان آن را بـه کنـاری افکنـده‌انـد و حافظـانش، آن را بـه دست فراموشـی سپرده‌انـد. در آن روزگــار قـرآن و اهـل آن، مطرود هستند... و پیش از آن زمـان، انواع سختی‌ها و شکنجـه‌هـا در حـق درستکاران اعمال شد.

۶۸

الإمــامُ الصّــادقُ علیه‌السلام

فی قولِه تعـالی:«الَّذینَ آتَینـاهُمُ الکِتـابَ یَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِه» ـ: یُرَتِّلُونَ آیاتِه و یَتَفَهَّمونَ مَعانِیَهُ ، و یَعمَلُونَ بِأحکامِه، و یَرجُونَ وَعدَهُ ، و یَخشَونَ عَذابَهُ ، و یَتَمَثَّلُونَ قصَصَهُ ، و یَعتَبِرُونَ أمثالَهُ ، و یَأتُونَ أوامِرَهُ ، و یَجتَنِبون نَواهِیَهُ . ما هُو واللّهِ بحفظِ آیاتِه و سَردِ حُروفِه ، و تِلاوَةِ سُوَرِه و دَرسِ أعشـارِه و أخماسِـه ، حَفِظُوا حُروفَهُ و أضاعُوا حُدودَهُ ، و إنّما هو تَدَبُّرُ آیاتِه ، یقولُ اللّه‌ تعالی:« کِتابٌ أنْـزَلناهُ إلَیکَ مُبارَکٌ لِیَدَّبَّروا آیاتِـه(۲).»

(۱) نهج البلاغة ، الخطبة ۱۴۷، شرح نهج‌البلاغة لابن أبی الحدید: ۹/۱۰۴ راجع تمام الخطبة.

(۲) تنبیه الخواطر : ۲/۲۳۶ .

(۳۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

درباره آیه «کسانی که به آنان کتاب دادیم ، آن را تلاوت می‌کنند آن گونه که حق تلاوت آن است» ، فرمود : آیاتش را روشن و شمرده می‌خوانند ، سعی می‌کنند معانیش را بفهمند ، احکام و فرامینش را به کار می‌بندند ، به وعده‌اش امیدوارند ، از عذابش می‌ترسند ، از داستانهایش سرمشق می‌گیرند ، از مثلهایش پند می‌گیرند ، امرهایش را به جا می‌آورند و از نهی‌هایش دوری می‌کنند . به خدا سوگند که حق تلاوت قرآن به حفظ آیات و پشت سر هم خواندن حروف و کلماتش و تلاوت سوره‌ای و بررسی شماره‌های آیات آن، نیست. حروف و کلماتش را حفظ کردند و حدود و معانیش را فرو گذاشتند، جز این نیست که حق تلاوت قرآن به تدبّر و تأمل در آیات آن‌است؛ خدای متعال می‌فرماید: «کتابی است خجسته که سوی تو فرو فرستادیم، تا در آیات آن تدبّر کنند» .

۶۹

رَسُولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

فی قولِه تعالی: «یَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِه» ـ: یَتَّبِعُونَهُ حَقَّ اتِّباعِه.(۱)

درباره آیه «آن را تلاوت می‌کنند آن گونه که حق تلاوت آن است» ، فرمود : (یعنی) از آن چنان که باید و شاید ، پیروی می‌کنند .

(۱) الدّر المنثور : ۱/۲۷۲ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۳۹)

۷۰

الإمامُ زینُ العابدین علیه‌السلام :

عنـدَ خَتمِهِ القرآنَ ـ:اللّهُمّ فإذ أفَدْتَنا الْمَعونَةَ علی تِلاوَتِه و سَهَّلْتَ جَواسِیَ ألسِنَتِنا بِحُسنِ عِبارَتِه فَاجْعَلْنا مِمَّن یَرعاهُ حَقَّ رِعایَتِه ، و یَدِینُ لَکَ بِاعْتِقادِ التَّسلیمِ لِمُحْکَمِ آیاتِه. (۱)

پس از ختم قرآن ، می‌گفت : بارخدایا ! اکنون که در تلاوت قرآن به ما کمک عطا فرمودی و زبان زمخت ما را به عبارت زیبا و لطیف قرآن روان ساختی ، پس ما را از کسانی قرار ده که آن را آن گونه که حق و سزاوار است رعایت می‌کنند (و به کار می‌بندند) و با اعتقاد به تسلیم در برابر آیات محکم آن ، تو را اطاعت می‌نمایند .

۷۱

الإمامُ الحسنُ علیه‌السلام :

اِعْلَمُوا عِلْما یَقینا أنّکُم ... لَنْ تَتْلُوا الْکِتابَ حَقَّ تِلاوَتِه حتّی تَعرِفُوا الذی حَرَّفَهُ ، فإذا عَرَفتُم ذلکَ عَرَفتُمُ البِدَعَ و

التَّکلّفَ.(۲)

یقین‌بدانیدکه‌شما... کتاب‌خدا راهرگز، چنان‌که بایدوشاید ، تلاوت نخواهید کرد، مگر آن گاه که بشناسید چه‌کسی آن را تحریف می کند ؛ زیرا که هرگاه آن را شناختید،بدعت‌ها و توجیهات‌متکلفانه‌رامی‌شناسید.

(۱) الصحیفهٔ السجادیـهٔ : ۱۵۸ الدعــاء ۴۲ .

(۲) البحــار : ۷۸/۱۰۵/۳ .

۷۲

أمیرُالْمُؤْمِنینَ علیه‌السلام :

أیـنَ القَـومُ الـذینَ دُعُــوا إلَـی الإسـلامِ فَقَبِلُـوهُ و قَرَؤوا القرآنَ فَأحکَموهُ ؟ (۱)

کجـاینـد آن مـردمی که به اسلام فـراخـوانـده شدند و آن را پذیرفتند و قــرآن را خواندنـد و استـوارش گـردانیـدنـد ؟

۷۳

عنـه علیه‌السلام :

أوِّهِ علـی إخوانیَ الـذینَ تَلَوُا القرآنَ فَأحکَمُوهُ،و تَـدَبَّرُوا الفَرضَ فَأقامُوهُ ، أحیَوا السُّنَّـةَ و أماتُوا البِدعَـةَ ، دُعُـوا للجِهـادِ فَـأجـابـوا ، و وَثِقُوا بالقــائدِ فَـاتَّبَعُوهُ ! (۲)

دریغــا ، بر آن برادران من که قرآن را تلاوت کردند و استوارش گردانیدند و درباره فرایض ، اندیشیدند و آن‌ها را برپا داشتند و سنّت (پیامبر) را زنـده نگه داشتند و بـدعت را میراندنـد . به جهاد فراخوانـده شدنـد و اجابت کردنـد و به رهبر خــویش اطمینــان کـردند و از او پیروی نمودند .

دورافکندن قرآن

الکتاب

«وَ اِذْ اَخَــذَ اللّـهُ میثـاقَ الَّــذینَ اُوتُـوا الْکِتـابَ لَتُبَیِّنُنَّـهُ لِلنّاسِ وَ لا تَکْتُمُــونَـهُ فَنَبَذُوهُ وَراءَ ظُهُــورِهِـمْ وَ اشْتَــــرَوْا بِـهِ ثَمَنـا قَلیـلًا فَبِئْـسَ مــا یَشْتَــــرُونَ (۳)»

«و (یاد کن) هنگامی را که خـداونـد از کســانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان

(۱) نهــج البـلاغـهٔ : الخطبـهٔ ۱۲۱ و ۱۸۲ .

(۲) نهج البلاغهٔ : الخطبهٔ ۱۲۱ و ۱۸۲ .

(۳) ۱۸۷ / آل عمـــران

گرفت که حتما بایـد آن را (به وضوح) برای مردم بیان نماییـد و کتمانش نکنیـد. پس، آن (عهد) را پشت سر خــود انـداختنـد و در بـرابـر آن، بهــایی ناچیـز به دست آوردند و چه بد معامله‌ای کردند» .

«وَ لَمّا جاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ نَبَذَ فَریقٌ مِنَ الَّذینَ اوُتُوا الْکِتابَ کِتابَ اللّهِ وَراءَ ظُهُورِهِمْ کَـاَنَّهُمْ لا یَعْلَمُونَ(۱)»

«و آن‌گـاه‌که فرستاده‌ای از جانب خـدا برایشان آمـد ـ که آنچه را با آنان بود تصـدیق مـی‌داشــت ـ گـروهــی از اهـل کتــاب، کتــاب خــدا را پشت ســر افکندند، چنــان کـه گـویی نمـی‌داننــد» .

۷۴

الإمـامُ الجـوادُ علیه‌السلام :

و کُلُّ اُمَّهٍ قـد رَفَعَ‌اللّهُ عَنهُم عِلمَ الکتابِ حِینَ نَبَذُوهُ و وَلاّهُم عَدُوَّهُم حینَ تَوَلَّوهُ، و کانَ مِن نَبـذِهِمُ الکتابَ أن أقاموا حُروفَهُ و حَرَّفُوا حُدودَهُ، فهُم یَروُونَهُ و لایَرعَونَهُ، وَالْجُهّـالُ یُعجِبُهُـم حِفظُهُـم لِلـرِّوایَهِ، وَ الْعُلَماءُ یَحـزُنُهُـم تَرکُهُم لِلرِّعایَهِ. (۲)

هر امتی ، آن گاه که کتاب آسـمانی خود را رها کرد و دور افکند ، خداوند علم آن را از آنان گرفت و آن گاه که دشمنان خود را به دوستی و سرپرستی گرفتند ، خداوند آن دشمنان را بر ایشان ولایت و حکومت داد . دورافکندن کتاب ، به این بود که حروف و کلمات آن را برپا داشتند و معانیش را تحریف کردند ؛ کتاب را می‌خوانند و روایت می‌کنند اما آن را رعایت نمی‌کنند و به‌کارنمی‌بندند. نادانان از اینکه آن راخوب‌می‌خوانندوحفظ‌می‌کنند، خوشحالند و دانایان از اینکه آن را رعـایت‌نمی‌کنند و به کار نمی‌بندند، اندوهناکند .

(۱) ۱۰۱ / بقـره

(۲) الکافی : ۸/۵۳/۱۶ .

۷۵

أمیـرُالْمُــؤْمِنینَ علیه‌السلام :

مَـن قَـرَأَ القـرآنَ فمـاتَ فَدَخَلَ النارَ فهُو ممَّن کانَ یَتَّخِذُ آیـاتِ اللّهِ هُـزُوا.(۱)

هر که قرآن خوان باشد و بمیرد و (با این حال) به دوزخ رود، او از کسانی بوده که آیات خـدا را بـه ریشخنـد می‌گرفته اسـت .

آداب قرائت قرآن

۱ـ تمیـــز کـــردن دهـان

۷۶

رَسُولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

نَظِّفُوا طَریقَ القرآنِ،قیلَ: یارسولَ‌اللّهِ، و ما طَریقُ القرآنِ ؟ قالَ : أفواهُکُم ، قیلَ : بماذا ؟ قالَ : بالسِّواکِ ؟ (۲)

گـذرگاه قرآن را نظافت کنیـد. عرض شـد: ای رسول خدا ، گذرگاه قرآن چیست؟ فرمود: دهـانهایتان؛ عـرض شد: با چـه تمیزش کنیم؟ فرمود: با مســواک زدن.

۲ـ پنـــاه بـــردن بـه خــدا

«فَـإِذَا قَــرَأْتَ الْقُـــرْآنَ فَـــاسْتَعِـذْ بِـــاللّهِ مِـــنَ الشَّیْطَـــانِ الـــرَّجِیـــمِ» . (۳)

«پـس هـــرگـــاه قـرآن خـوانـدی، از شیطـان رجیـــم بـه خـــدا پناه بر».

(۱) نهج البلاغهٔ : الحکمهٔ ۲۲۸ .

(۲) البحـــار : ۹۲/۲۱۳/۱۱ .

(۳) ۹۸ / نحـل

۷۷

الإمـــامُ الصّـــــادقُ علیه‌السلام :

أغلِقُـوا أبــوابَ المَعصیَـةِ بِالْإسْتِعاذَةِ ، وَ افْتَحُـوا أبوابَ الطّـاعَـةِ بـالتَّسمیَـةِ . (۱)

درهـای معصیـت را بـا اسـتعـاذه (گفتـن جملـه «اعوذ باللّه من الشـیطان الرجیم») ببندیـد و درهای طاعت را با تسـمیه (گفتن جمله «بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم») بگشــــــــاییــد .

۷۸

الإمـــامُ الصّـــادقُ علیه‌السلام :

لَمّـا سُئـلَ عَـنِ التَّعـوُّذِ عِنْدَ افْتِتاحِ کُلِّ سُورَةٍ ـ : نَعَم، فَتَعَوَّذْ بِاللّه مِنَ الشَّیطانِ الـرَّجیـمِ ، و ذَکَـرَ أنَّ الـرَّجیـــمَ أخبَـثُ الشَّیـاطینِ . (۲)

در پاسـخ بـه سؤال از استعاذه در هنگـام شروع هر سوره‌ای، فرمـود: آری، از شـیطان رجیــم و فـرمـود کـه رجیــم، پلیــدتـرین شیاطین است ، به خـدا پنـاه بـر .

(انظر) عنوان ۳۷۹ «الاستعاذة»

۳ ـ تـــــرتیــــــل (روشـــــــن و شمــــــرده خــــــوانـــــدن)

«أوْ زِدْ عَلَیْــــهِ وَ رَتِّـــــلِ الْقُـــــرْآنَ تَـــرْتِیـلًا(۳)»

«یـا بر آن (نصف) بیفزای و قرآن را شمـرده شمـرده بخـوان».

(۱) البحـــار : ۹۲/۲۱۶/۲۴ .

(۲) تفسیـر العیّاشـیّ : ۲/۲۷۰/۶۸ .

(۳) ۴ / مزّمّل

۷۹

رَسُـولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

فی قولِه تعالی:«وَ رَتِّلِ القُرآنَ تَرتیلًا» : بَیِّنْهُ تِبیانا ، وَ لاتَنثُرْهُ نَثرَ البَقْلِ ، و لا تَهُـذَّهُ هَـذَّ الشِّعـرَ ، قِفُـوا عندَ عَجائبِهِ ، حَرِّکُوا بِهِ القُلوبَ، وَ لایَکُنْ هَمُّ أحَدِکُم آخِرَ السُّورَةِ .(۱)

درباره آیه «و رتل القـرآن تـرتیلًا» فـرمـود : قـرآن را روشن و شـمرده بخوان و آن را مانند تخم علف پاش مده و همچون شعر به شتاب و بـریـده و بریده مخوان . در شگفتیهایش درنگ کنید ، دل‌ها را با آن به تپش و حرکت درآورید و همــه کـوشش شما این نباشد که سوره را به‌آخر برسانید .

۸۰

أمیـرُ الْمُــؤْمِنیـنَ علیه‌السلام :

أیضـا ـ بَیِّنْـهُ تِبْیـانـا وَ لاـ تَهُـذَّهُ هَـذَّ الشِّعْرِ وَ لاـ تَنْثُرْهُ نَثْرَ الرَّمْلِ وَ لکِنِ أَفْزِعُوا قُلُوبَکُمُ الْقـاسِیَـةَ وَ لاـ یَکُــنْ هَـمُّ اَحَـدِکُـمُ آخِـرَ السُّـــورَةِ . (۲)

نیزدرباره‌همین‌آیه، می‌فرمایـد: قرآن‌را روشن و واضـح بخوان و ماننـد شـعر به شـتاب و بریـده‌مخوان و چون‌ریگ پراکنده‌اش مساز. بلکه‌دل‌های‌سخت‌خودرا (به وسیله آن) به بیــم و هراس افکنید و تمام سعی شما این نباشد که سوره را به پایان برید.

۸۱

عنه علیه‌السلام :

اَمَّا اللَّیْلَ فَصافُّونَ اَقْدامَهُمْ ، تالینَ لِاَجْزاءِ الْقُرْآنِ یُرَتِّلُونَها تَرْتیلًا . یُحَزِّنُونَ

(۱) نوادرُ الرّاوندی : ۳۰ .

(۲) الکافی : ۲/۶۱۴/۱ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۴۵)

بِهِ اَنْفُسَهُمْ وَ یَسْتَثیرُونَ بِهِ دَواءَ دائِهِمْ. (۱)

در وصف پرهیزگاران، می‌فرماید: شب هنگام به پامی‌خیزند و آیات قرآن را با تأمل و شمرده می‌خوانند و جان‌هایشان را با خواندن آن اندوهناک می‌سازند و داروی درد و بیماری خود را در آن می‌جویند.

۴ـ تدبّر

«أَفَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلی قُلُوبٍ أَقْفالُها» .(۲)

«آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا بر دلهایشان قفل‌ها زده شده است»؟

«کِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَیْکَ مُبارَکٌ لِیَدَّبَّرُوا آیاتِهِ و لِیَتَذَکَّرَ أُولُو الْأَلْبابِ» .(۳)

«کتابی است فرخنده که آن را سوی تو فروفرستادیم، تا در آیاتش تدبّر کنند و خردمندان پند گیرند».

«أَفَلَمْ یَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جاءَهُم ما لَمْ یَأْتِ آباءَهُمُ الاْوَّلِینَ» .(۴)

«آیادر (عظمت)این سخن نیندیشیده‌اند، یاچیزی برای‌آنان‌آمده‌که برای پدران پیشین آنها نیامده است»؟

«أَفَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ کانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِاللّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اخْتِلافا کَثِیرا(۵).»

«آیا درقرآن تدبّرنمی‌کنند؟ اگراز نزدغیرخدابود،هرآینه درآن اختلاف بسیاری می‌یافتند».

۸۲

أمیرُالْمُؤْمِنینَ علیه‌السلام :

ألا لا خَیرَ فی قِراءةٍ لَیْسَ فیها تَدَبُّرٌ ، ألا لا خَیرَ فی عِبادَةٍ لَیْسَ فیها تَفَقُّهٌ . (۶)

(۱) نهج‌البلاغة: الخطبة ۱۹۳ .

(۲) ۲۴ / محمّد

(۳) ۲۹ / ص

(۴) ۶۸ / مؤمنون

(۵) ۸۲ / نساء

(۶) البحار : ۹۲/۲۱۱/۴ و ص ۲۱۶/۲۲ .

(۴۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

بدانید که در قرآن خواندنی که با تدبّر همراه نباشد ، خیری نیست ؛ بدانید که در عبادتی که با فهم توأم نباشد ، خیری نیست .

۸۳

الإمامُ زینُ العابدین علیه‌السلام :

آیاتُ القرآنِ خَزائنُ العِلمِ ، فکُلَّما فَتَحتَ خِزانَةً فیَنبغی لکَ أن تَنظُرَ فیها . (۱)

آیه‌های قرآن گنجینه‌های دانش هستند. پس، هر گاه گنجینه‌ای گشوده شد ، شایسته است که در آن نظرافکنی.

۸۴

أمیــرُ الْمُــؤْمِنیـنَ علیه‌السلام :

تَـدَبَّـروا آیـاتِ القـرآنِ و اعتَبِـرُوا بِـه ، فَإنَّهُ أبلَغُ العِبَرِ . (۲)

درآیات‌قرآن‌تدبّرکنیدوازآن‌عبرت‌آموزید؛زیراکه‌قرآن‌رساترین‌پندهاوعبرتهاست.

۸۵

الإمــامُ الصّــادقُ علیه‌السلام :

لَمّا سُئِلَ عَنْ قِـراءةِ الْقُـرآنِ فی لیلَـةٍ ـ : لا یُعجِبُنی أن تَقرَأهُ فـی أقَلَّ مِن شَهرٍ . (۳)

(۱) البحار : ۹۲/۲۱۱/۴ و ص ۲۱۶/۲۲ .

(۲) غـررالحکم : ۴۴۹۳ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۴۷)

در پاسخ به سؤال از ختم‌کردن قرآن‌دریک‌شب ، فرمود : خوش ندارم که آن را در کمتراز یک‌ماه بخوانی .

(انظر) العبادة: باب ۲۴۹۱ .

۵ ـ خشــوع

«اَلَمْ یَأْنِ لِلَّـذیـنَ امَنُوا اَنْ تَخْشَــعَ قُلُوبُهُمْ لِذِکْرِ اللّهِ وَ ما نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لایَکُونُوا کَالَّذینَ اوُتُـوا الْکِتابَ مِنْ قَبْلُ فَطالَ عَلَیْهِمُ الاْمَدُ فَقَسَـتْ قُلُـوبُهُـمْ وَ کَثیـرٌ مِنْهُـمْ فـاسِقُــونَ(۱).»

«آیا برای کسانی که ایمان آورده‌انـد زمان آن نرسـیده است که دلهایشان برای یاد خـدا و آنچه از حق نازل شده است خاشع شود و چونـان کسـانی نباشـند کـه پیش از این به آنهـا کتـاب(آسـمانی)داده‌شـده و روزگاردرازی‌برآنهاگذشت‌وپس‌دلهایشان‌سـخت‌شد و بسیاری از آنــان فـاسقـاننـد»؟

۸۶

کـانَ [الرِّضا علیه‌السـلام فی طریقِ خُراسانَ [یُکثِرُ بِاللَّیلِ فی فِراشِه مِن تِلاوَةِ الْقرآنِ، فَإذا مَرَّ بِـآیَـةٍ فیهـا ذِکـرُ جَنَّـةٍ أو نارٍ بَکی و سَألَ اللّه الجَنَّـةَ و تَعَـوَّذَ بِـه مِـن النـارِ . (۲)

در راه سـفر به خراسـان ، شب‌ها در بسترش بسـیار قرآن می‌خــوانــد و هرگــاه به آیه‌ای که در آن از بهشت یا آتش یاد شـده بود می‌رسیــد ، می گــریســت و بهشــت را از خــدا مســألت می کــرد و از آتــش به او پنــاه می‌بــرد .

۸۷

رَسُــولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

أنّــی لَاءعْجَــبُ کَیْــفَ لا أشیــبُ إذا قَــرَأتُ القــــرآنَ ! (۳)

من در شگفتم که وقتی قرآن می‌خوانم، چگونه مویم سفید نمی‌شود .

(۱) الکافی : ۲/۶۱۷/۱ .

(۲) ۱۶ / حدید

(۳) عیــون أخبــار الـرِّضــا علیه‌السلام : ۲/۱۸۲/۵ .

(۴) البحار : ۱۶/۲۵۸/۴۲ .

(۴۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

تلاوت‌های ممنوع

۸۸

رَسُولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

اقْرَؤُوا الْقُرْآنَ بِأَلْحانِ الْعَرَبِ وَ اَصْواتِها وَ اِيّاكُمْ وَ لُحُونَ اَهْلِ الْفِسْقِ وَ اَهْلِ الْكَبائِرِ؛ فَاِنَّهُ سَيَجىءُ مِنْ بَعْدى اَقْوامٌ يُرَجِّعُونَ الْقُرْآنَ تَرْجيعَ الْغِناءِ وَالنَّوْحِ وَالرَّهْبانِيَّةِ، لايَجُوزُ تَراقِيَهُمْ قُلُوبُهُمْ مَقْلُوبَةٌ وَ قُلُوبُ مَنْ يُعْجِبُهُ شَأْنُهُمْ. (۱)

قرآن را با لحنها و آوازهای عرب بخوانید و از (به کاربردن) لحنهای فاسقان و گنهکاران دوری کنید ؛ زیرا بزودی پس از من مردمانی بیایند که صدای قرآن خواندشان را، همچون آوازه خوانی و نوحه گری و سرودخوانی کشیشان، در گلو بچرخانند و از گلویشان فراتر نرود. دلهایشان و دلهای کسانی که از قرآن خواندن آنها خوششان آید، وارونه است .

۸۹

عنه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

إنّى أخافُ عليكُمُ اسْتِخفافا بالدّينِ ... و أنْ تَتَّخِذُوا الْقرآنَ مَزاميرَ.(۲)

نگرانی من برای شمااین‌است که دین را سبک شمارید... و قرآن‌راوسیله‌آواز کنید .

کسی که قرآن لعنتش می‌کند

۹۰

رَسُولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

رُبَّ تالِ القرآنِ و القرآنُ يَلعَنُهُ.(۳)

ای بسا قرآن خوانی ، که قرآن لعنتش می کند .

(۱) الکافی : ۲/۶۱۴/۳ .

(۲) البحار : ۹۲/۱۹۴/۸ .

(۳) البحار : ۹۲/۱۸۴/۱۹ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۴۹)

۹۱

عنه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

أنتَ تَقرَأُ القرآنَ ما نَهاكَ، فإذا لم يَنهَكَ فَلَستَ تَقرؤهُ .(۱)

تو تا زمانی قرآن می‌خوانی که تو را (از گناهان) باز دارد. پس اگر باز نداشت، قرآن نخوانده‌ای.

قاریان نابکار

۹۲

مصباحُ‌الشَّريعةِ:قالَ‌النبيُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

أكثَرُ مُنافِقى اُمَّتى قُرّاؤها . (۲)

مصباح الشریعهٔ : پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: بیشتر منافقان امّت من، قاریان آن هستند .

۹۳

رَسُـــــــــــــولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

إنّ فی جَهنَّـمَ رَحـاءً مِن حَـدیـدٍ تُطحَنُ بها رُؤوسُ القُرّاءِ ، و العُلَماءِالمُجـرمینَ . (۳)

در دوزخ آسیابی آهنی است، که باآن سرهای‌قاریان‌و علمای گنهکار آرد می‌شود .

۹۴

الإمـامُ البـاقرُ علیه‌السلام :

مَـن دَخَـلَ علـی إمـامٍ جائرٍ فَقَرَأَ علَیهِ القرآنَ یُریدُ بذلکَ عَرَضا مِن عَرَضِ الدنیا

(۱) شرح نهج‌البلاغهٔ لابن أبی الحدید: ۱۰/۲۳ .

(۲) مصبـاح الشـریعهٔ : ۳۷۳ .

(۳) جامع الأخبار : ۱۳۰/۲۵۴ .

(۵۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

لُعِـنَ القــارئُ بِکُـلِّ حَـرفٍ عَشرَ لَعنـاتٍ و لُعِنَ المُستَمِعُ بکُلِّ حَـــرفٍ لَعنَـةً.(۱)

هرکس نزد پیشوایی ستمگر برود و به قصد رسیدن به مال و منالی از دنیا برای او قرآن بخواند، قاری درازای هر حرفی که می‌خواند ده لعنـت می‌شـود و شنونده بـرای هر حـــرفـی یـک لعنت .

۹۵

رَسُـولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

مَـــن تَعَلَّـــمَ القـــرآنَ لِلـــدّنیـــا و زینَتِهـــا حَـــرَّمَ اللّهُ علَیـــهِ الْجَنّـــةَ.(۲)

هر کس قرآن را برای دنیا و زیور آن فراگیرد ، خداوند بهشت را بر او حرام گرداند . (انظر) العلم: باب ۲۸۹۳.

گونه‌های قاریان

۹۶

الإمـامُ الصّـادقُ علیه‌السلام :

القُرّاءُ ثلاثةٌ : قاریءٌ قَرَأَ (القرآنَ) لِیَستَدِرَّ به المُلوکَ و یَستَطیلَ به علَی الناسِ فذاکَ مِن أهلِ النارِ ، و قاریءٌ قَرَأَ القرآنَ فَحَفِظَ حُروفَهُ و ضَیَّعَ حُـدودَهُ فـذاکَ مِن أهلِ النارِ ، و قاریءٌ قَرَأَ (القرآنَ) فاستَتَرَ بِهِ تَحتَ بُرنُسِهِ فهُو یَعمَلُ بمُحکَمِه و یُؤمِنُ بمُتَشابِهِهِ و یُقیمُ فَرائضَهُ و یُحِلُّ حَلالَهُ و یُحَرِّمُ حَرامَهُ فهذا مِمَّن یُنقِذُهُ اللّهُ مِن مُضِلّاتِ الفِتَنِ و هُو مِن أهلِ الجَنّةِ و یُشَفَّعُ فیمَن شاءَ. (۳)

(۱) الاختصـاص : ۲۶۲ .

(۲) البحار : ۷۷/۱۰۰/۱ .

(۳) الخصـال : ۱۴۳/۱۶۵ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۵۱)

قاریان سه‌گونه‌اند : قاریی که قرآن می‌خواند ، تا بدان وسیله از شاهان به نوایی برسد و بر مردم فخر و بزرگی فروشد ، چنین کسـی از دوزخیان است . قاریی که قرآن می‌خوانـد و حروف و کلماتش را حفظ می کند ، اما معانیش را رها می کند . این نیز از دوزخیان است و قـاریی که قرآن می‌خـوانـد و بـا آن در زیـر کـلاه برک خـود پنهـان می‌شـود و به آیـات محکم آن عمـل می کنـد و به

آیـات متشـابهش ایمـان می‌آورد و فرایضـش را به جا می‌آورد و حـلالش را حـلال و حـرامش را حـرام می‌شمارد ؛ این قاری از کسـانی اسـت کـه خداونـد او را از گمـراهـی‌هـای فتنـه نجـات می‌دهـد و از بهشتیـان‌است و دربـاره هرکه خواهـد ، شـفاعت می کند .

۹۷

رَسُــولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

قُرّاءُ الْقرآنِ ثَلاثـهٌ : رجُـلٌ قَرَأَ الْقرآنَ فَاتَّخَـذَهُ بِضاعَـهً فَاسْـتَجْرّبه الْمُلوکَ وَ اسْـتَمالَ بِهِ النّـاسَ ، و رَجُلٌ قَرَأَ الْقرآنَ فَأقامَ حُروفَهُ و ضَـيَّعَ حُـدودَهُ ، کَثُرَ هؤلاـءِ مِن قُرّاءِ الْقرآنِ لاـكَثَّرَهُمُ اللّهُ تعالی ! و رجُلٌ قَرَأَ الْقرآنَ فَوَضَعَ دَواءَ الْقرآنِ علی داءِ قلبِه فَأسْـهَرَ بِه لَيلَهُ و أظْمَأَ بِه نَهارَهُ ، و قامُوا فی مَساجِدِهِم وحَبَوا بِهِ تَحتَ بَرانِسِهِم، فهؤلاءِ يَدفَعُ اللّهُ مِـنَالْكِبريتِ الأحمَـرِ . (۱)

قاریان قرآن سه گونه‌انـد : مردی که قرآن می‌خوانـد و آن را وسـیله‌ای برای سودجوئی از شاهان و جلب توجه مردم قرار می‌دهـد و مردی که قرآن می‌خوانـد و الفـاظ و کلمـاتش را برپامی‌دارد و معانیش را فرومی گـذارد . این دسـته از قاریان قرآن تعـدادشان زیاد است و خدا امثال آنها را زیاد نکناد و مردی که قرآن

(۱) میزان الحکمهٔ، آیهٔاللّه محمّدی ری شهری، جلد دهم .

(۵۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

می‌خواند و دارو و مرهم قرآن را بر روی درد دل خویش می‌نهد . شبش را با آن به بیداری می گذراند و روزش را با آن به تشنگی سپری می کنـد . (آن را) در مسـجدهایشان بـه پـا می‌دارنـد و زیر کلاـه برکیهـای خـود می‌خزاننـدش. ایناننـد که خداونـد به برکت وجودشان ، بلا را می گرداند و دشـمنان را از میان می‌برد و باران آسمان را فرو می‌فـرسـتـد ؛ بـه خـدا سـوگنـد که این قاریان از کبریت احمر کمیــابتـرنـد .

۹۸

الإمـامُ الصّادقُ عليه‌السلام :

إنَّ مِن النـاسِ مَن يَتَعَلَّـمُ القـرآنَ لِيُقـالَ : فـلانٌ قارِئٌ ! و مِنهم مَن يَتَعَلَّمُهُ فَيَطلُبُ بِهِ الصَّوتَ فيقالُ : فلانٌ حَسَنُ الصَّوتِ ! و لیسَ فی ذلک خَيرٌ ، و مِنهُم مَن يَتَعَلَّمُهُ فَيَقـومُ بِه فی ليلِـه و نَهـارِه ، لا يُبـالِی مَـن عَلِمَ ذلـکَ و مَـن لـم يَعلَمْـهُ . (۱)

بـرخـی از مـردم قـرآن را فرامی گیـرنـد ، برای این که بگـوینـد فـلانی قـاری است . برخی آن را می‌آموزنـد ، تا با صـــدای خوش بخوانند و مردم بگویند فلانی صـــوتی خوش دارد . در این‌ها خیری نیست (کارشان ارزشـــی نـدارد) . بـرخـی هم قـرآن را فـرامی گیـرند و شب و روزشـــان را با آن به سر می‌برند و اهمیتی نمی‌دهند که کسی ایـن مطلـب را می‌دانـد یـــا نمی‌دانـــد .

۹۹

رَسُــولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

مَن قَرَأَ الْقرآنَ يُريـدُ بِه السُّمعَـهَ و الْتِمـاسَ شـیءٍ لَقِیَ اللّهَ عَزَّوَجـلَّ يَومَ الْقِيامَـهِ و وَجْهُـهُ عَظْمٌ لَيسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ ... و مَن قَرَأَ الْقرآنَ و لَمْ يَعْمَلْ بِـه حَشَـرَهُ اللّهُ يَومَ الْقِيامَهِ أعْمـــی فَيَقـولُ: «رَبِّ لِمَ حَشَــرْتَنی أعْمـــی...»؟! (۲)

(۱) الکـــــافی ، ۲/۶۰۸/۶ .

(۲) ثواب الأعمال : ۳۳۷/۱ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۵۳)

هر که برای شـهرت طلبی و رسیــدن به چیزی قـرآن بخـواند ، در روز قیـامت بـا چهـره‌ای استخوانی و بی گـوشـت ، خـدای عز و جل را دیـدار کنـد ... و هـر کـه قرآن بخـوانـد و بـه آن عمـل نکنـد ، خداونـد در روز قیـامت او را کـور محشور گردانـد،

پس بگـویـد: «پروردگارا ! چرا مرا کور محشور کردی ...» .

(انظر) العلم: باب ۲۸۶۷.

آداب گوش‌دادن به قرآن

الکتاب

«وَ اذا قُـرِءَ الْقُـرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَـهُ وَ اَنْصِتُـوا لَعَلَّكُـمْ تُـرْحَمُونَ(۱).»

«هرگاه‌قرآن خوانده‌شود،به‌آن‌گوش‌دهیدوخاموش‌بمانید،شاید‌که‌موردرحمت‌قرار گیرید».

«قُلْ امِنُوا بِه اَوْلا تُؤْمِنُوا اِنَّ الَّذینَ اُوتُوا الْعِلْـمَ مِنْ قَبْلِه اذا یُتْلی عَلَیْهِمْ یَخِرُّونَ لِلاْذْقانِ سُـجَّدا. وَ یَقُولُونَ سُـبْحـانَ رَبِّنـا اِنْ کـانَ وَعْـدُ رَبِّنـا لَمَفْعُـولاً. وَ یَخِـرُّونَ لِـلاْذْقـانِ یَبْکُـونَ وَ یَزیدُهُمْ خُشُوعا(۲).»

«بگو: به آن ایمـان بیاوریـد یـا ایمان نیاوریـد، همانا کسانی که پیش از آن علم داده شده‌انـد، هرگاه (قرآن) بر آنان تلاوت شود، به چانه‌ها به خاک سـجده می‌افتنـد و می‌گوینـد: منزه است پروردگار ما، همانا وعـده پروردگار ما شـدنی است. و به چانه‌ها به خـاک می‌افتند (و) می‌گریند و بر کـرنش آنها افـزوده می‌شود» .

«اوُلئِکَ الَّذینَ اَنْعَمَ اللّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ‌النَّبِیّینَ مِنْ ذُرِّیَّةِ ءادَمَ وَ مِمَّنْ حَمَلْنـا مَعَ نُوحٍ وَ مِنْ ذُرِّیَّةِ اِبْراهیمَ وَاِسْرائیلَ وَ مِمَّنْ هَـدَیْنا وَ اجْتَبَیْنـا اذا تُتْلی عَلَیْهِمْ ایـاتُ الـرَّحْمنِ خَـرُّوا سُجَّـدا وَ بُکِیـا(۳).»

«آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند برایشان نعمت ارزانی داشت: از فرزندان آدم

(۱) ۲۰۴ / اعـــــراف

(۲) ۱۰۷ ـ ۱۰۹ / اسراء

(۳) ۵۸ / مـــــریـــم

بودند و از کسانی که همراه نوح (بر کشتی) سوار کردیم و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که (آنان را) هدایت نمودیم و برگزیدیم (و) هرگاه آیات (خدای) رحمان بر آنان خوانـده می‌شـد، سجـــده‌کنـان و گـریـان به خاک می‌افتادند» .

«اَلَمْ یَأْنِ لِلَّذینَ امَنُوا اَنْ تَخْشَـعَ قُلُوبُهُمْ لِذِکْرِ اللّهِ وَ مـا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لا ـ یَکُونُوا کَالَّذینَ اوُتُوا الْکِتـابَ مِنْ قَبْـلُ فَطـالَ عَلَیْهِمُ الاَْمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ کَثیرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ(۱).»

«آیـا برای کسانی که ایمان آورده‌انـد وقت آن نرسیـده که دلهایشان به یاد خـدا و آن حقیقتی که نازل شـده نرم (و فروتن) گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شده و (عمر و) انتظار بر آنان بــه درازا کشیـد و دلهایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟»

۱۰۰

الإمـامُ الصّادقُ علیه‌السلام :

لمّـا سَأَلـهُ زُرارَةُ عـن وُجـوبِ الْاءنْصـاتِ وَ الْإسْتِماعِ عَلی مَن یَسمَعُ القرآنَ ـ : نَعَم ، إذا قُـــرئَ القــــرآنُ عِنـــدکَ فقـــد وَجَـبَ عَلَیـکَ الْإسْتِمـاعُ وَ الْاءنصـاتُ. (۲)

در پاسخ سؤال زراره از وجوب خاموش ماندن و گوش دادن بر کسـی که قرآن را می‌شنود، فرمود: آری، هرگاه‌قرآن درحضور تو خوانده شد، واجب است که گوش کنی‌وخاموش‌مانی.

۱۰۱

الإمـامُ البـاقرُ علیه‌السلام :

إنّ اللّه یقولُ للمؤمنینَ: «و إذا قُرِئَ القُرآنُ» یَعنی فی الفَریضَهِ خَلفَ الإمامِ

(۱) ۱۶ / حدید

(۲) البحار : ۹۲/۲۲۲/۷ و ص ۲۲۱/۳ .

«فاسْتَمِعُـــــــــوا...». (۱)

خداوند به مؤمنان مـی‌فـرمایند : «هــرگـاه قــرآن خـوانـده شــد» یعنــی در نمـاز واجـب پشــت ســر امـام جمـاعـت، «پــس گــوش کنیــد...» .

ظاهر و باطن قرآن

۱۰۲

الإمامُ زینُ العابدین علیه‌السلام :

کتـابُ اللّهِ عَزَّ و جلَّ علـی أربَعـهِ أشـیـاءَ : علَـی العِبـارَهِ و الإشـارَهِ ، و اللَّطـائـفِ ، و الحَقـائـقِ . فـالعِبـارَهُ للعَوامِّ ، و الإشـارَهُ للخَواصِّ، و اللَّطـائـفُ لـلأولیـاءِ والحقـائقُ لـلأنبیـاءِ . (۲)

کتـاب خـدای عزوجـل بر چهـار چیز است : عبـارت (ظـاهر) ، اشـاره ، لطـایف و حقـایق . عبـارت برای عامه مردم است، اشاره برای خواص، لطایف‌برای‌اولیاء و حقـایـق برای انبیـاء .

۱۰۳

الإمـــامُ البـــاقرُ علیه‌السلام :

إنَّ للقــرآنِ بَطنـا ، و للبَطـنِ بَطنٌ ، و لَهُ ظَهرٌ ، و للظَّهرِ ظَهرٌ ، ... و لیسَ شـیءٌ أبعَـدَ مِن عُقولِ الرِّجالِ مِن تَفسیـرِ القـرآنِ ، إنّ الآیَهَ لَتَکُونُ أوَّلُها فی شیءٍ و آخِرُها فی

(۱) البحار : ۹۲/۲۲۲/۷ و ص ۲۲۱/۳ .

(۲) البحار : ۹۲/۲۰/۱۸ و ص ۹۵/۴۸ .

شـــیءٍ، و هُـو کــلامٌ مُتَّصِـلٌ یَتَصــرَّفُ علــی وُجــوهٍ.(۱)

همانا قرآن باطنی دارد و باطنش نیز باطنی دارد . و ظاهری دارد و ظاهرش نیز ظاهری دارد ... از دسترس خرد مردان چیزی دورتر از تفسیر قرآن نیست ؛ (زیرا) آیه قرآن آغـازش دربـاره چیــزی اســت و پـایـانش دربـاره چیـزی دیگر . درحالی که آن گفتاری پیوسته است کـه به شکل‌ها و معانی گوناگون حمل‌می‌شود.

۱۰۴

أمیرُالْمُؤْمِنینَ علیه‌السلام :

الْقُـــــرْآنَ ظـــاهِــرُهُ اَنیـــقٌ وَ بــاطِنُــهُ عَمیـــقٌ.(۲)

قرآن ظاهرش زیبا و شگفت‌انگیز است و بـاطنش ژرف .

۱۰۵

الإمامُ الصّادقُ علیه‌السلام :

القــــرآنُ کُلَّـــــهُ تَقـــريــــعٌ، و بــاطِنُــهُ تَقريبٌ .(۳)

قـرآن سـراسـر کوبنده است و بـاطنش نـزدیک کننده.

(انظر) البحار: ۹۲/۷۸ باب ۸.

پرهیز از تفسیر به رأی

۱۰۶

رَسُــولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

قــالَ اللّه‌جــلَّ جـلالُـه : مـا آمَــنَ بی مَــن فَسَّـرَ بِـرَأيِـه كَـــلامـی.(۴)

بـه من ایمان نیاورده است، کسـی که سخن مرا بر اساس رأی خودش تفسیر کند.

(۱) البحار : ۹۲/۲۰/۱۸ و ص ۹۵/۴۸ .

(۲) نهج البلاغة: الخطبة ۱۸ .

(۳) معــانـــی الأخبـــــار: ۲۳۲/۱ .

(۴) البحار : ۹۲/۱۰۷/۱ و ص ۱۱۰/۱۱ .

۱۰۷

الإمامُ‌الصّادقُ علیه‌السلام :

مَـن فَسَّـــرَ القــرآنَ بِـرَأيِــه فَـأصـابَ لم يُؤجَرْ ، و إن أخطَـأَ كـانَ إثمُهُ علَيهِ . (۱)

کســـی کــه قـرآن را بـه رأی خـود تفسیـر کنـد و تفسیـرش درست باشد ، مـأجور نیست و اگـر نـادرســـت بـاشـد ، گنـاهش بـــه گـردن اوســت .

۱۰۸

عنــه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

مَـــن تَكَلَّـمَ فـی القــــرآنِ بِــرَأيِـه فَـأصـابَ فَقَـــد أخطَـأَ.(۲)

هر که در قرآن مطابق نظر خود سخن بگوید و سخنش درست هم باشد، باز خطا کرده است .

۱۰۹

عنــه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

مَـن قـالَ فی القــرآنِ بغَيـرِ ما عِلـمٍ جـاءَ يَومَ القِيامَةِ مُلجَمـــا بلِجـامٍ مِن نـارٍ . (۳)

هــر کـــه در بــاب قـــرآن نــدانســتــه چیـزی بگــویــد ، روز قیــامـت درحـالی آورده شــــود کـــه لگـــامـی از آتــش بـر او زده شــده اســـت .

۱۱۰

عنــه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

أكثَرُ ما أخـافُ على اُمَّتی مِن بَعدی رجُلٌ يَتَأوَّلُ القرآنَ يَضَعُهُ على غيرِمَواضِعِه . (۴)

بیشتـریـن چیزی که بعد از خود برای امتم از آن می‌ترسم ، مردی است که قرآن را

(۱) البحار : ۹۲/۱۰۷/۱ و ص ۱۱۰/۱۱ .

(۲) البحـــار : ۹۲/۱۱۱/۲۰ .

(۳) البحـــار : ۹۲/۱۱۱/۲۰ .

(۴) منیـــۀ المریـــد : ۳۶۹ .

تـأویـل نابجا کند .

۱۱۱

أمیرُالْمُؤْمِنینَ علیه‌السلام :

مِـن کتـابٍ لَهُ إلی معـاویۀَ ـ: فَعَـدَوْتَ علَـی الدُّنیا بِتأویلِ الْقرآنِ.(۱)

در نامه‌ای به معاویه ، می‌فرماید: با تأویل قرآن ، در پی دنیا تاختی .

(انظــر) عنــوان ۱۷۶ «الـــرأی(۲)»

تفسیر المیزان: ۳/۴۴ «ما معنَی التأویل؟»

قرآن شناس کیست؟

۱۱۲

الإمامُ‌البـــاقرُ علیه‌السلام :

لِقَتادۀَ بنِ دِعامَۀَ ـ: یا قَتادَۀُ ، أنتَ فَقیهُ أهلِ البصـرۀِ ؟ فقالَ : هکذا یَزعُمونَ ، فقالَ أبوجعفرٍ علیه‌السلام : بَلَغَنی أنّکَ تُفَسِّرُ القرآنَ ، قالَ لَهُ قَتادَۀُ : نَعَم، فقالَ أبوجعفرٍ علیه‌السلام : بِعِلمٍ تُفَسِّرُهُ أم بجَهلٍ؟ قالَ: لا،بِعلمٍ ـ إلی أنقالَ ـ یاقَتادَۀُ،إنّمایَعرِفُ‌القرآنَ‌مَن‌خُوطِبَ‌بِه. (۲)

بـه قتـادۀ بـن دعـامه فـرمـود : ای قتـاده ! تـو فقیه بصریان هستی ؟ عرض کرد : این طـور خیـال می‌کنند . امام باقر علیه‌السلام فـرمـود : شنیـده‌ام که تفسیر قرآن می‌گـویی . قتـاده عـرض کـرد : آری . امـام بـاقر علیه‌السـلام فرمود : از روی علم تفسیرش می‌کنی یـا از روی ناآگـاهی ؟ عـرض کـرد : نـه ، از روی علـم ـ تـا آنجـا کـه فرمـود ـ ای قتاده ! قرآن را در حقیقـت کســـی می‌شنـاسـد ، که مخـاطب آن بــوده است .

(۱) نهج البلاغۀ : الکتاب ۵۵ .

(۲) الکافی : ۸/۳۱۱/۴۸۵ .

۱۱۳

أمیـرُ الْمُـــؤْمِنیـنَ علیه‌السلام :

ذِلِـکَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ ، وَ لَنْ یَنْطِقَ ، وَ لکِــنْ اُخْبِـرُکُمْ عَنْـهُ.(۱)

ایــن قــرآن اســـت، پس آن را بـه زبــان آوریـــد، امـــا او هــر گـــز (خــودش) سخن نخواهــد گفت، بلکـــه مــن شمـــا را از آن آگــــاه می‌کنم .

۱۱۴

أمیـــرُالْمُـؤْمِنیـنَ علیه‌السلام :

فی تَوصیفِ عِترَۀِ النبیِّ صلواتُ اللّهِ علَیهِم ـ: هُم أزِمَّۀُ الحَقِّ ، و أعلامُ الدِّینِ ، و ألسِنَۀُ الصِّـدقِ ، فَـأنـزِلُوهُــم بأحسَنِ مَنــازِلِ القـرآنِ ، وَرِدُوهُـم وُرودَ الهِیمِ العِطاشِ .(۲)

در وصف عترت پیامبر صلوات اللّه علیهم ، می‌فرماید : آنان زمام‌های حق هستند (شما را به سوی حق می‌کشانند) و نشانه‌های دین و زبان‌های راستی و راستگویی . پس آنان را در بهترین منزلگاه‌های قرآن فرود آورید و همچون اشتران تشنه‌به‌سوی‌آنهابشتابید.

۱۱۵

الإمـــامُ الصّـــادقُ علیه‌السلام :

إنَّ اللّهَ جَعَـلَ وَ لاـ یَتَنـا أهـلَ الْبَیتِ قُطبَ الْقرآنِ ، و قُطبَ جَمیعِ الْکُتُبِ ، علَیها یَسـتَـدیـرُ مُحکَـمُ الْقــرآنِ ، و بِهـا نَـوَّهَـتِ الْکُتبُ(۳) و یَستَبیـنُ الإیمــانُ . (۴)

(۱) نهـج البـلاغـة: الخطبـة ۱۵۸، شـرح نهـج البلاغة لابن أبی الحدید: ۹/۲۱۷ .

(۲) نهـــج البــلاغـــــة : الخطبـــــة ۸۷ .

(۳) فی البحار : ۹۲/۲۷/۲۹ «و بها یوهَبُ الکتب».

(۴) تفسیر العیّاشی : ۱/۵/۹ .

(۶۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

خداونـد ولاـیت ما ، اهل بیت ، را قطب قرآن و قطب همه کتاب‌ها(ی آسـمانی) قرار داده است ، کـه قـرآنِ محکــم بـر گـرد آن می‌چرخد و به آن ولایت ، کتــاب‌هـــا(ی الهــی) نـــداء می‌دهـد و ایمــان روشــن و آشکــار می‌شود .

انواع آیات قرآن

الکتاب

«هُوَ الَّذی اَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتابَ مِنْهُ ایاتٌ مُحْکَماتٌ هُنَّ اُمُّ الْکِتابِ وَ اُخَرُ مُتَشابِهاتٌ فَاَمَّا الَّذینَ فی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَهِ وَ ابْتِغـاءَ تَـأْویلِهِ وَ مـا یَعْلَمُ تَـأْویلَهُ اِلاَّ اللّهُ وَ الـرّاسِـخُـونَ فِـی الْعِلْـمِ یَقُـولُـونَ امَنّا بِـهِ کُـلٌّ مِـنْ عِنْـدِ رَبِّنـا وَ مـا یَـذَّکَّرُ اِلاّـ اوُلُوا الاْلْبــابِ»

«او کسـی است که این کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیاتی محکم (صریح و روشن) است. آنها اساس کتابنـد و (پـاره‌ای) دیگر متشابهاتنـد (کـه تأویـل پذیرنـد). امـا کسـانی که در دلهایشـان انحراف است، برای فتنه‌جـویی و طلب تأویـل آن (به دلخـواه خـود،) از متشـابه آن پیروی می‌کننـد ؛ بـا آن کـه تـأویلش را جز خـدا و ریشـه‌داران در دانش کسـی نمی‌دانـد. (آنـان که) می‌گوینـد: ما بـدان ایمان آوردیم، همه (چه محکم و چـه متشـــابــه) از جـانب پـروردگـار ماست. و جز خردمندان کسـی متذکّر نمی‌شود» .

۱۱۶

رَسُــــولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

إنّالقرآنَ نَزَلَ علی خَمسةِ وُجوهٍ : حَلالٍ ، و حَرامٍ ، و مُحکَمٍ ، و مُتَشـابِهٍ، و أمثالٍ. فَاعْمَلُوا بِالْحَلالِ، و دَعُواالْحَرامَ واعْمَلُوابِالْمُحکَمِ، و دَعُواالْمُتَشابِهَ، واعْتَبِرُوا بالأمثالِ.(۱)

(۱) البحار : ۹۲/۱۸۶/۳ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۶۱)

قرآن، برپنــج وجـه نازل‌شـــده‌است: حلاـل‌وحرام‌و محکــم و متشـابه و مثل‌هـا. پس‌به‌حلال‌عمـل کنیــد وازحرام بازایستیــد و محکم‌رابه‌کاربندید و بامتشابه کاری‌نداشته‌باشید و ازمثل‌هاعبرت گیرید.

۱۱۷

رَسُـــولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

اُنـزِلَ القـرآنُ علـی سَبعَةِ أحرُفٍ: آمِرٍ، و زاجِرٍ، و تَرغیبٍ، و تَرهیبٍ، و جَدَلٍ، و قَصـصٍ، و مَثَـلٍ.(۱)

قرآن، بر هفت حرف نازل شده‌است : امر و نهی و ترغیب‌کردن و ترساندن و جدل و داستـان و مَثَـل.

۱۱۸

أمیرُالْمُؤْمِنینَ علیه‌السلام :

إنّ اللّه تبـارکَ و تعـالی أنزلَ القرآنَ علی سَبعَةِ أقسام ، کُلٌّ مِنها شافٍ کافٍ ، و هی: أمرٌ، و زَجرٌ، و تَرغیبٌ ، و تَرهیبٌ ، و جَـدَلٌ ، و مَثَلٌ ، و قَصصٌ ، و فِی القرآنِ ناسِخٌ و مَنسوخٌ و مُحکَمٌ و مُتشابهٌ، و خاصٌّ و عامٌّ، و مُقدَّمٌ و مُؤَخَّرٌ، و عَزائمُ و رُخَصٌ ، و حَلالٌ و حَرامٌ ، و فَرائضُ و أحکامٌ، و مُنقَطِعٌ و مَعطوفٌ ، و مُنقَطِعٌ غیرُمَعطوفٍ ، و حَرفٌ مَکانَ حَرفٍ .

و مِنهُ ما لَفظُهُ خاصٌّ، و مِنهُ مالَفظُهُ عامٌّ مُحتَمِلُ العُموم، و مِنهُ ما لَفظُهُ واحِـدٌ و مَعناهُ جَمعٌ ، و مِنهُ ما لَفظُهُ جَمعٌ و مَعناهُ واحِـدٌ ، و مِنهُ ما لَفظُهُ مـاضٍ و مَعنـاهُ مُستَقبَلٌ ، و مِنهُ مـا لَفظُهُ عَلَی الخَبَرِ و مَعناهُ حِکایَةٌ عن قَومٍ آخَرَ ، و مِنهُ ما هُو باقٍ مُحرَّفٌ عن جِهَتِهِ ، و مِنهُ ما هُو علی خِلافِ تَنزیلِه ، و مِنهُ مـا تَـأویلُهُ فی تَنزیلِه، و مِنهُ مـا تأویلُهُ قَبلَ تَنزیلِه، و مِنهُ ما تأویلُهُ بَعـدَ تَنزیله . و مِنهُ آیاتٌ بَعضُـها فی سُورَةٍ و تَمامُها فی سُورَةٍ اُخری ، و مِنهُ آیاتٌ نِصفُها مَنسوخٌ و نِصفُها مَتروکٌ علی حالِه ، و مِنهُ آیاتٌ مُختَلِفَةُ اللَّفظِ مُتَّفِقَةُ المَعنی ، و مِنهُ آیاتٌ مُتَّفِقَةُ اللَّفـظِ مُختَلِفَـةُ المَعنـی ، و مِنـهُ آیاتٌ فیها رُخصَـةٌ و إطلاقٌ بعدَ العَزیمَةِ ، لأنَّ اللّه عَـزَّوجـلَّ یُحِبُّ أن یُؤخَذَ بِرُخَصِه کما یُـؤخَذُ بِعَزائمِه .

(۱) میزان الحکمة، آیةاللّه محمّدی ری شهری، جلد دهم .

(۶۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

و منه رُخصَـةٌ صاحِبُها فیها بالخِیارِ إن شاءَ أخَـذَ و إن شـاءَ تَـرَکَها ، و مِنهُ رُخصَـةٌ ظاهِرُها خِلافُ باطِنِها یُعمَلُ بظاهِرِها عنـدَ التَّقیَّةِ و لا یُعمَـلُ بباطِنِهـا مَعَ التَّقیَّةِ ، و مِنهُ مُخاطَبَـةٌ لِقَومٍ و المَعنی لآخَرینَ ، و مِنهُ مُخاطَبَـةٌ للنبـیِّ صـلی‌الله‌علیه‌وآله و مَعنـاهُ واقِعٌ علی اُمَّتِهِ ، و مِنهُ لایُعرَفُ تَحریمُـهُ إلاّ بتَحلیلِهِ، و مِنهُ ماتَـألیفُهُ و تَنزیلُهُ علیغیرِ معنی مـا اُنزِلَ فیهِ . و مِنهُ رَدٌّ مِنَ‌اللّهِ‌تعـالی واحتِجـاجٌ علی جَمیعِ‌المُلحِـدینَ والزَّنادِقـةِ والدَّهریّةِ والثَّنَویّـةِ و القَدَریّةِ والمُجَبِّرَةِ وعَبَـدَةِالأوثانِ وعَبَدَةِالنِّیرانِ ، و مِنهُ احتِجاجٌ عَلَی‌النَّصاری فی‌المَسیحِ علیه‌السلام ، و مِنهُ‌الرَّدُّ عَلَی‌الیَهودِ،ومِنهُ‌الرَّدُّعلیمَن‌زَعَمَ أنَ‌الإیمانَ‌لایَزیـدُ ولا یَنقُصُ و أنَّ الکُفرَ کـذلکَ ، و مِنهُ رَدٌّ علی مَن زَعَمَ أن لیسَ‌بَعـدَالمَوتِ و قَبلَ القِیامَةِ ثَوابٌ و عِقابٌ . (۱)

خـدای‌تبارک و تعـالی، قرآن‌را بر هفت‌قسم نازل فرموده‌است‌که هر بخشـی ازآن شـفادهنده و کفایت کننـده است . این هفت قسم عبارتنـــد از : امر و نهی و ترغیـب و ترساندن‌وجــدل و مَثَل‌وداســتان . در قرآن آیــات ناســخ و منسـوخ و محکـم و متشــابه و خاص‌وعام‌ومقـدّم‌ومؤخر و واجبـات و رخصت‌هاوحلال‌وحرام‌وفرایض و احکـام و منقطـع و معطوف و منقطع نـامعطوف و حرفی به جای حرف دیگر، وجود دارد .

بعضـی از کلمات قرآن ، لفظش خاصّ است و بعضی لفظش عام است و عمومیت را می‌رساند و برخی لفظش مفرد است و معنایش جمع و برخی لفظش جمع است و معنایش مفرد . برخی لفظش ماضـی است و معنایش مستقبل . برخـی لفظش خبری است ومعنایش حکایت ازقومی دیگر. بعضی از آنها باقی است و از جهت و معنای اصلیش (به معنــای دیگــر) بـر گـردانـده شده است . بعضی از آنهـا معنـایی خلاف تنزیلش دارد و برخی تأویل و تنزیلش یکی است و بعضـی تـأویلـش پیـش از تـنزیـل آن اسـت و بعضــی تـأویلش بعداز تنزیلش .

در قرآن آیـاتی هست که قسـمتی از آن ، در سوره‌ای است و دنبـاله آن در سوره‌ای دیگر ، آیاتی هست که نصـفش منسوخ است و نصفش به حال خود باقی است (و

(۱) البحـــار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظـر تمـام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۶۳)

نسخ نشده) ، بعضی از آیات آن الفاظشان متفاوت اما معنایشان با هم یکسان است،آیاتی‌هم هست که لفظشان یکسان ، اما معنایشان متفاوت است . بعضی آیات ناظر به رخصت است و بعد از قطعیت ، دست بـاز گـذاشـتـه شده است ؛ زیرا خداوند عزّ و جلّ دوست دارد که همان‌گونه که به واجبات و احکام قطعیش عمل می‌شود به اجازات و رخصتهایش نیز عمل شود .

بعضی از قرآن، رخصت است و شخص مکلف آزاد است اگر خواست آنها را انجام دهد و اگر خواست ترک کند . بعضی از آن رخصتی است که ظاهرش برخلاف باطنش می‌باشد ، به ظاهر آن به گاه تقیه عمل می‌شود ولی به باطن آن حتی از باب تقیه هم نمی‌توان عمل کرد . بعضی از قسمت‌های قرآن خطابش به عـده‌ای است ولی مقصود دیگران هستند . برخی از آن مخاطبش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است، امّا متعلّقش امّت او هستند . بعضی از قسمت‌های آن هست که حرام شمردنش جز با حلال شمردن آن شناخته نمی‌شود و قسمت‌هایی هم در قرآن هست که تألیف و تنزیل آن بر غیر معنایی است که درباره آن نازل شده است .

بعضی از قسمت‌های قرآن ، هست که پاسخ خدای متعال و حجت آوری او بر همه ملحدان و زندیقان و دهریه و ثنویه و قدریه و جبریه و بت‌پرستان و آتش‌پرستان ، است و قسمت‌هایی از آن ، احتجاج بر ضد ترسایان (و اعتقادشان) درباره مسیح علیه‌السلام است و قسمت‌هایی از آن ردّ بر یهود و قسمت‌هایی از آن پاسخ به‌کسانی‌است‌که می‌گویند، نه ایمان قابل افزایش و کاهش است نه‌کفر. قسمت‌هایی از آن نیز در پاسخ به کسانی است که خیال می‌کنند بعد از مرگ و پیش از قیامت پاداش و کیفری در کار نیست .

(۶۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

آیات محکم و متشابه

۱۱۹

أميرُالْمُؤْمنينَ عليه‌السلام

لمّا سُئِلَ عـن تَفسيـرِ المُحكَم و المُتَشابِهِ مِن كتابِ اللّهِ عَزَّوجلَّ ـ : أمّا المُحكَمُ الـذى لم يَنسَخْهُ شـىءٌ مِن القـرآنِ فهُـو قَـولُ اللّهِ عَـزَّ و جـلَّ : «هُـوَ الّذى أنزَلَ عَلَيكَ الكِتابَ مِنهُ آياتٌ مُحْكَماتٌ هُنَّ أُمُّ الكِتابِ و اُخَرُ مُتَشابِهاتٌ» و إنّمـا هَلَـكَ الناسُ فى المُتَشابِهِ لأنَّهُم لم يَقِفُوا على مَعناهُ و لَم يَعرِفُوا حَقيقَتَهُ ، فَوَضَعُوا لَهُ تأويلاتٍ مِن عندِ أنفُسِهِم بآرائهِمواستَغنَوابذلكَعن‌مَسألةِالأوصياءِ ... . و أمّا المُتَشابِهُ مِنَ القرآنِ فهُو الّذى اِنْحَرَفَ مِنهُ ، مُتَّفِقُ اللَّفظِ مُختَلِفُ الْمَعنى ، مِثلُ قَولِهِ عَزَّوجلَّ : «يُضِلُّ اللّه‌مَن يَشاءُ و يَهدِى مَن يَشاءُ» فَنَسَبَ الضَّلالَةَ إلى نَفْسِهِ فى هـذا الْمَوضِعِ ، و هـذا ضَلالُهُم عَنْ طـريـقِ الْجَنَّـةِ بِفِعْلِهِـم ، وَ نَسَبَـهُ إلَـى الْكُفّـارِ فى مَوضِعٍ آخَرَ و نَسَبَهُ إلَى الْأصنام فى آيَةٍاُخرى . (۱)

در پاسخ به سؤال از معنای محکم و متشابه در کتاب خدای عزوجل ، فرمود : محکم آن آیه‌ای است که چیزی از قرآن آن را نسخ نکرده است ؛ این است سخن خدای عزوجل که می‌فرماید : «اوست کسی که کتاب را بر تو نازل کرد . برخی از آن آیاتی محکمند که آنها ام‌الکتابند و برخی دیگر متشابهند» .

مردم ، در آیات متشابه به هلاکت درافتاده‌اند ؛ زیرا معنای آن‌ها را نفهمیدند و حقیقت آنها را نشناختند . از این رو ، با آرای شخصی خود آنها را تأویل و توجیه کردند و بدین سان خود را از رجوع به اوصیاء و پرسیدن از آنها بی‌نیاز دانستند ... .

امّا متشابه قرآن ، آن است که از آن منحرف‌شده‌است.لفظش‌یکی‌ومعنایش‌متفاوت

(۱) البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

است، ماننـد این سـخن خـدای عز و جل: «خدا هر که را بخواهد گمراه می‌کند و هر که را خواهد هدایت می‌کند».در این جا گمراه کردن را به خودش نسبت داده است و این گمراه کردن آنهـا از راه بهشت است به سـبب افعال و اعمال خودشان . در جـایی دیگر گمراهی را به کفّار نسبــت داده و در آیــه‌ای دیگــر به بت‌ها منتسب کـرده است .

(انظر) الضلالة: باب ۲۳۸۳

القضــاء (۱): باب ۳۳۵۳

الفتنـــــة: بــاب ۳۱۵۱

۱۲۰

الإمـامُ الصّـادقُ علیه‌السلام

لمّـا سُئلَ عـنِ المُحکَـمِ و المُتَشـابِه ـ : اَلْمُحکَمُ ما نَعمَلُ بِـه ، وَ الْمُتَشابِهُ مَااشْتَبَهَعَلیجاهِلِهِ. (۱)

امـام صـادق علیه‌السـلام ، در پاسـخ به سؤال از محکم و متشـابه، فرمـود: محکم آن آیه‌ای است که به آن عمــل می‌کنیم و متشـابه آیه‌ای است که بـر کسی که از آن شناخت ندارد مشتبه می‌شود .

۱۲۱

عنـه علیه‌السلام :

أیضـا ـ : اَلْمُحکَــمُ مـا یُعمَــلُ بِـهِ، وَ الْمُتَشـابِهُ الّــذی یُشبِـهُ بَعضُــهُ بَعضـا. (۲)

نیز در پـاســخ به همیــن پـرسـش، فــرمــود: محکــم آن اســت کــه بدان عمل می‌شود و متشابه آن است که برخی از آن با برخی دیگر ، شبیه است .

(۱) البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

(۲) البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

۱۲۲

عنـه علیه‌السلام :

إنّ القـرآنَ فیــهِ مُحکَــمٌ و مُتَشـــابِــهٌ، فأمّـا المُحکَمُ فنُؤمِنُ بِه و نَعمَلُ بِه و نَـدینُ بِـــه ، و أمّـــا المُتَشـــابِــهُ فنُـؤمِنُ بِه و لا نَعمَــلُ بِــه.(۱)

همانـا در قرآن محکمی‌است و متشابهی . به آیـات محکم ، ایمـان داریم و بـدانها عمـل می‌کنیم و به آیات متشـــابه ایمــان داریم ولـی به کــارشان نمی‌بنــدیم .

اشارتهای قرآن

۱۲۳

الإمـــــامُ الصّـــــادقُ علیه‌السلام :

إنَّ اللّه بَعَـثَ نَبیِّـهُ ب«إیّاکَ أعنــی و اسمَعی یـا جــارَة».(۲)

خــداونــد پیـامبــر خــود را بـر طبــق ضرب‌المثل «به در می‌گویم که دیوار بشنود»، مبعوث کرده‌است .

۱۲۴

عنــه علیه‌السلام :

نَــــزَلَ القـــرآنُ ب«إیّـاکَ أعنـــی و اسمَعـی یا جارَهْ».(۳)

قرآن مطابق ضرب‌المثـل «به در می‌گـویـم کـه دیـوار بشنـود»، نـازل شده است .

(۱) البحار : ۹۳/۴ و (ص ۱۱ انظر تمام الکلام) و ۹۲/۳۸۲/۱۵ و ص ۳۸۳/۱۹ و ح ۲۱.

(۲) البحـــار : ۹۲/۳۸۱/۱۲ .

(۳) الکافــی : ۲/۶۳۱/۱۴ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۶۷)

۱۲۵

عنـــه علیه‌السلام :

مـا عـاتَـبَ اللّهُ نَبِیَّـهُ فَهُـوَ یَعنی بِهِ مَن قـد مَضـی فِی الْقرآنِ مِثـلُ قَـولِهِ: «و لولا ـ أنْ ثَبَّتْنـاکَ لَقَـدْ کِـدْتَ تَـــرْکَـنُ إلَیهِـم شَـیئا قَلیـــلًا» عَنـی بـذلـکَ غَیـرَهُ. (۱)

هرچه خـدای عزوجـل به پیامبرش عتـاب فرموده، مقصود از آن دیگران است، ماننـد این سـخن خداونـد که: «اگر نبود که مـا تو را استوار گردانیدیم، نزدیک بود که به سوی آنها اندکی متمایل شوی»، مقصود از این کلام (و عتاب) غیر پیامبر است.

۱۲۶

الإمـامُ الـــرِّضـا علیه‌السلام

فی قولِهِ تعـالی : «عَفـا اللّهُ عَنـکَ لِمَ أذِنْتَ لَهُم» ـ : هـذا مِمّا نَزَلَ ب«إیّاکَ أعنی و اسـمَعی یـا جـارَهْ» ... و کــذلـکَ قولُهُ عَزَّ و جلَّ : «لِئِنْ أشْرَکْتَ لَیَحْبَطَنَّ عَمَلُکَ...» و قولُهُ عَـزَّ و جـــلَّ : «و لَــولا أنْ ثَبَّتْنــاکَ لَقَـــدْ کِـــدْتَ تَـرْکَـنُ إلَیْهِـمْ...» . (۲)

امام رضا علیه‌السـلام ، درباره آیه «خـدا تو را ببخشد چرا به آنها اجازه دادی» ، فرمود : این از جمله آیاتی‌است که طبق ضـرب‌المثل «به در می‌گویم که دیوار بشـنود»، نازل شـده است ... همچنین آیه «اگر شـرک آوری ، هر آینه عمل تو بر باد رود...» و نیز آیه «اگر نبود که ما تورا استوار گردانیدیم، هر آینه نزدیک بود که به سوی آنها اندکی متمـــایـل شـــوی...».

(۱) تفسیر العیّاشیّ : ۱/۱۰/۵ .

(۲) عیـون أخبـارالرِّضـا ۷ : ۱/۲۰۲/۱ .

(۶۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

وجوه قرآن

۱۲۷

أمیرُالْمُؤْمِنینَ علیه‌السلام ـ لِعَبـدِاللّهِ بـنِ العبّـاسِ لَمّا بَعَثَهُ لِلْاِحْتِجاجِ عَلَی الخَوارجِ ـ : لاتُخـاصِمْهُم بـالقـرآنِ؛ فـإنَّ القـرآنَ حَمّالٌ ذو وُجوهٍ ، تَقولُ و یَقولونَ ، و لکنْ حـاجِجْهُـم (خـاصِمْهُـم) بِـالسُّنَّـــةِ ، فـإنَّهُـم لـن یَجِـدُوا عَنهـا مَحیصـا.(۱)

امام علی علیه‌السـلام ، هنگامی که عبـداللّه‌بن عباس را برای گفتگو با خوارج و اقامه حجت بر آنان فرسـتاد ، به او فرمود : با آنان به وسیله قرآن ستیزه مکن ؛ زیرا قرآن وجوه گوناگونی دارد . تو چیزی می‌گویی و آنها چیزی می‌گویند ، بلکه با آنان به وسیله سنّت احتجاج کن ؛ زیرا که آنان در برابر سنت راه گریزی (و توجیهی) نـدارنـد .

۱۲۸

عِکرَمَـهُ :

سَمِعتُ ابنَ‌عبّاسٍ یُحَدِّثُ عَنِ الْخَوارجِ الّذینَ أنکَرُوا الْحُکومَهَ فَاعتَزَلُوا علیَ‌بنَ أبی‌طالبٍ ، قالَ : فَاعْتَزَلَ مِنهُم اِثْنا عَشَرَ ألفا فَدَعانی علیٌّ فَقالَ : اِذهَبْ إلَیْهِم فَخاصِمْهُم وَادْعُهُم إلَی الْکتابِ وَ السُّنَّهِ، ولا تُحاجَّهُم بِالْقرآنِ فإنّهُ ذو وُجوهٍ، وَ لکنْ خـاصِمْهُـم بالسُّنَّهِ. (۲)

شنیـدم که ابن‌عبـاس دربـاره خوارج ، همانان که حکمیت را نپذیرفتنـد از علی‌بن‌ابی‌طالب جـدا شدنـد ، سـخن می گویـد. او گفت: دوازده هزار نفر از خـوارج از سپاه علی کنـاره گـرفتنـد ؛ علـی مـرا فـراخـوانـد و فرمود : نزد ایشـان برو و آنـان را به کتـاب و سنت فراخوان و به وسیله قرآن بـا آنـان احتجاج نکن ؛ زیرا قرآن وجوه گـونـاگـون دارد ، بلکه به وسـیلـه سنّـت (پیامبر) باایشان بحث کن .

(۱) نهج البلاغهٔ : الکتاب ۷۷ .

(۲) الــــــدّر المنثــــــور : ۱/۴۰ .

۱۲۹

رَسُـولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

القـــرآنُ ذو وُجـوهٍ ، فَاحمِلُوهُ علی أحسَـنِ وُجوهِه.(۱)

قرآن، وجوه گوناگون دارد. پس آن را بـر بهترین وجـوهش حمـل (و معنا) کنیـد .

اُمّ القرآن

۱۳۰

رَسُـولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

«اَلحَمــدُ لِلّـهِ رَبِّ العــالَمیـنَ» اُمُّ القـــرآنِ و اُمُّ الکتـابِ والسَّبـعُ المَثانی . (۲)

سوره حمد، ام‌القران و ام‌الکتاب و سبع المثانی است .

۱۳۱

عنـه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

«اَلحَمـدُلِلّهِ رَبِّ العـالَمینَ» سَـبعُ آیـاتٍ ، «بسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیـمِ» إحـداهُنَّ و هِی السَّبـعُ المَثـانی و القرآنُ العَظیـمُ ، و هِـی اُمُّ القـــرآنِ.(۳)

سوره حمـد، هفت آیـه است «بسـم اللّه الرحمن الرحیم» یکی از هفت آیه می‌باشـد. ســوره حمـــد، سبــع المثــانی و قـــرآن عظیـــم و اُمّ القـرآن اســت .

۱۳۲

عنــه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

لِسَعیدِ بنِ المُعلّی إذا دَعاهُ و هُو فی‌الصلاهِ فلَم یُجِبْهُ ـ : ألَم یَقُلِ اللّهُ: «اسْتَجیبُوا لِلّهِ و

(۱) میزان الحکمهٔ، محمّد ری‌شهری، جلد دهم .

(۲) الدّر المنثور : ۱/۱۲ .

(۳) الدّر المنثور : ۱/۱۲ .

لِلرَّسولِ إذا دَعاکُم»؟! ثُمّ قالَ: لاَعَلِّمَنَّکَ أعظَمَ سُورَةٍ فی الْقرآنِ قَبْلَ أنْ تَخرُجَ مِن الْمَسجِدِ، فَأخَذَ بِیَدی، فلَمّا أرَدنا أنْ نَخرُجَ قُلْتُ : یارسولَ‌اللّهِ، إنّکَ قُلْتَ : لَأُعَلِّمَنَّکَ سُورَةً فی الْقرآنِ؟ قال: «اَلحَمدُلِلّهِ‌رَبِ‌العالَمینَ» هی‌السَّبعُ‌المَثانی والقرآنُ‌العَظیمُ الذی اُوتیتُهُ . (۱)

سعید بن معلّی را که در حال نماز بود صدازد اما او جواب نداد . رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود: مگر خداوند نفرموده است: «هرگاه خدا و رسول شما را صدا زدند ، جواب بدهید»؟ سپس فرمود : پیش از آنکه مسجد را ترک کنی، با عظمت‌ترین سوره قرآن را به تو می‌آموزم. پس ، دستم را گرفت و چون نزدیک در مسجد رسیدیم ، عرض کردم : ای رسول خدا ، شما فرمودید که : باعظمت‌ترین سوره قرآن را به تو می‌آموزم . حضرت فرمود : «الحمدالله رب العالمین» (سوره حمد) همان سبع المثانی و قرآن عظیمی است، که به من داده شده است .

۱۳۳

عنه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

ما أنزَلَ اللّهفِی التَّوراةِ وَ لا فِی الْاءِنجیلِ وَ لا فِی الزَّبورِ وَ لا فِی‌الْفُرقانِ مِثلَ اُمِّ القرآنِ.(۲)

خداوند نه در تورات و نه در انجیل و نه در زبور و نه در فرقان ، همانند امّ‌القرآن نازل نکرده است .

۱۳۴

عنه صلی‌الله‌علیه‌وآله :

مَن قَرَأَ فاتِحَةَ الکتابِ فَکأنّما قَرَأَ التَّوراةَ و الإنجیلَ و الزَّبورَ و الفُرقانَ . (۳)

(۱) الدّر المنثور : ۱/۱۳ .

(۲) الدّر المنثور : ۱/۱۳ .

(۳) الدّر المنثور : ۱/۱۶ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۷۱)

هر که فاتحة الکتاب را بخواند، چنان است که تورات و انجیل و زبور و فرقان را خوانده باشد .

(انظر) الشیطان: باب ۲۰۲۳ .

تفسیر المیزان: ۳/۴۳ «ما معنی کون‌المُحکمات اُمّ الکتاب؟» .

فضیلت تلاوت آیَةُ الْکُرْسیّ

۱۳۵

قِراءَةُ آیَةِالْکُرْسِیِّ تَصْرِفُ أَلْفَ مَکْرُوهٍ مِنْ مَکْرُوهِ الدُّنْیا وَ الْاخِرَةِ، أَیْسَرُ مَکْرُوهِ الدُّنْیا الْفَقْرُ، وَ أَیْسَرُ مَکْرُوهِ الْاخِرَةِ عَذابُ الْقَبْرِ .

خواندن آیةالکرسی هزار ناراحتی از ناراحتی دنیا و آخرت را برطرف می‌سازد. کمترین ناراحتی دنیا بی‌چیزی و کمترین ناراحتی آخرت عذاب قبر می‌باشد .

۱۳۶

قالَ أمیرُالْمُؤْمِنینَ علیه‌السلام :

إِذَا اشْتَکی أَحَدُکُمْ عَیْنَهُ فَلْیَقْرَأْ آیَةَ الْکُرْسِیِّ، وَلْیُضْمِرْ فی نَفْسِهِ أَنَّها تَبْرَأُ، فَإِنَّهُ یُعافی إنْ شاءَاللّه تَعالی .

در کتاب خصال (شیخ صدوق" ره) "امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: هرگاه یکی از شما چشمش درد داشته باشد آیةالکرسی بخواند و در دلش بگذراند که آیةالکرسی او را خوب می‌کند، پس شفا یابد انشاءاللّه

(۷۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

۱۳۷

در بخشـــی از خطبـــه فـدکیـه حضـــرت زهـــراء علیهاالسلام آمـده اسـت: (۱)

وَ هَذا کِتابُ اللّهِ بَیْنَ أظْهُرِکُمْ اُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أحْکَامُهُ زَاهِرَةٌ وَ أعْلامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لائِحَةٌ و أوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، قَدْ خَلَّفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِکُمْ. أرَغْبَةً عَنْهُ تُرِیدونَ؟ أمْ بِغَیْرِهِ تَحْکُمُونَ؟ «بِئْسَ لِلظّالِمِینَ بَدَلاً». «وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَ الْاسْلَامِ دِینًا فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِی الْآخِرَةِ مِـنَ الْخَـاسِـرِیـنَ»

در حالی که کتاب خدا در بین شما می‌باشد، مطالبش روشن و احکامش درخشان و نشانه‌هایش تابنده، و دور باش‌هایش نمایان، و دستورهایش واضح و آشکار، پشت سر بیفکندیدش. آیا روگرداندن از آن را اراده دارید؟ یا به غیر آن می‌خواهید حکم کنید؟ «بدل بدی است برای ستمکاران.» (۵۰ / کهف) «و هرکس جز اسلام دینی بجوید هرگز از وی پذیرفته نشود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.» (۸۵ / آل‌عمران)

۱۳۸

قـالَ الْإمـام الْعَسْکَـــرِیُّ علیه‌السلام

«أکْثِرُوا ذِکْرَ اللّهِ وَ ذِکْرَ الْمَوْتِ وَ تِلاوَةَ الْقُرانِ وَ الصَّلواةَ عَلَی النَّبِیِّ صلی اللّه علیه و آله فَانَّ الصَّلوةَ علی رَسُولِ اللّهِ عَشْرَ حَسَناتٍ.» (۲)

امام حسن عسگری علیه‌السلام فرمود:

«چند چیز را فراوان یاد کنید: ۱ ـ یاد خدا، ۲ ـ یاد مرگ، ۳ ـ تلاوت قرآن، ۴ ـ صلوات بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله ، زیرا صلوات بر رسول خدا، ده حسنه دارد.»

۱. نقل از کتاب (شرح خطبه فدک) ـ محمد تقی شریعتمداری صفحه ۳۷ ـ ۳۸ .

۲. تحف العقول / ص ۴۸۸، صحیفه رستگاری، احادیث قدسی .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۷۳)

۱۳۹

قـالَ رَسُـولُ اللّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

«نَوِّرُوا بُیُوتَکُمْ بِتَلاوَةِ الْقُرْآنِ وَ لا تَتَّخِذُوها قُبُورا کَما فَعَلَتِ الْیَهُودُ وَ النَّصاری، صَلُّوْا فِی الْکَنائِسِ وَ الْبِیَعِ وَ عَطَّلُوا بُیُوتَهُمْ، فَإنَّ الْبَیْتَ إذا کَثُرَ فِیهِ تِلاوَةُ الْقُرْآنِ کَثُرَ خَیْرُهُ وَ اتَّسَعَ أهْلُهُ وَ أضاءَ لِاَهْلِ السَّماءِ کَما تُضیئُ نُجومُ السَّماءِ لِاَهْلِ الدُّنْیا.»(۱)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«خانه‌های خود را با خواندن قرآن نورانی کنید و آن را (صرفا) بر سر قبرها نبرید، چنانچه یهود و نصارا چنین رفتار کردند، در کنیسه‌ها و معبدهای خود نماز خوانند و خانه‌های خود را خالی از آن (نماز و عبادت) رها کردند؛ زیرا چون در خانه، قرآن زیاد تلاوت شود، خیرش فراوان گردد و اهل آن در گشایش قرار گیرند و برای آسمانیان بدرخشد، چنانچه اختران آسمان برای زمینیان می‌درخشند.»

۱۴۰

قـــالَ النَّبِـیُّ صلی‌الله‌علیه‌وآله :

«مَنْ کـانَ الْقُرْآنُ حَدیثَهُ وَ الْمَسْجِدُ بَیْتَهُ بَنَی اللّه لَهُ بَیْتا فِی الْجَنَّةِ.»(۲)

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«کسی که گفتارش قرآنی و (از رفت و آمد زیادش به مسجد، گویی که) خانه‌اش مسجد باشد، خداوند برای او در بهشت خانه‌ای

بنا می‌سازد.»

۱. الکافی، ج ۲/ص ۶۱۰، صحیفه رستگاری، احادیث‌قدسی‌چهارده‌معصوم‌وانبیاءعلیهم السلام، ص ۸۷ .

۲. وسائل الشیعهٔ، ج ۵/ ص ۱۹۸، صحیفه رستگاری، احادیث قدسی چهارده معصوم و انبیاء علیهم‌السلام، ص ۹۰ .

(۷۴) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

وَ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا لَـوْلا نُـزِّلَ عَلَیْـهِ الْقُرانُ جُمْلَـةً واحِدَةً کَذلِکَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤادَکَ وَ رَتَّلْنـاهُ تَـرتیـلاً

و کـافران گفتنـد: چرا قرآن یک‌جـا نـازل نمی‌شود؟ این به خـاطر آن است که قلب تو را بر آن محکم داریم و آن را تـدریجا بر تو خواندیم .(۱)

واژه « تَرْتیـل » از مـاده « رَتَـل » به معنی منظم بـودن و مرتب بودن است ، لـذا کسـی که دنـدان‌هـایش خـوب و منظـم و مـرتـب بـاشــد ، عـرب بــه او « رَتَل الْاَسْنان » می‌گوید ، روی این جهت ترتیـل به معنی پی در پی‌آوردن سخنـان یا آیـات روی نظام و حساب گفته شده است .

در تفسیــر کلمــه «تَرْتیل» روایات‌جالبی‌نقل شده که به یکی‌ازآن‌هاذیلاً اشــاره می‌کنیــم :

در تفسیر « مجمع البیان » از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین نقل شده که به ابن عباس فرمود : اِذا قَرَأْتَ الْقُرْانَ فَرَتِّلْهُ تَرْتیـلاً : هنگامی که قرآن را خواندی آن را با ترتیل بخوان » .

ابـن عبـاس می‌گـویـد پرسیـدم : تـرتیل چیست ؟

پیامبر صـلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «حروف و کلمات‌آن‌را کاملاًروشن‌اداکن،نه همچون خرمای خشکیده (یا ذرات شن) آن را پراکنده کن و نه همچون شعر آن را با سرعت پشت سر هم بخوان ، به هنگام برخورد با عجایب قرآن توقف کنید و بیندیشید و دل‌ها را با آن تکـان دهیـد و هرگز نبایـد همـت شـما این باشـد که به سرعت سـوره را به پـایــان رســانیــد » (بلکــه مهم انـدیشه و تـدبر و بهره‌گیری‌از قرآن است) . (۲)

۱- ۳۲ / فرقان .

۲- « مجمــع البیــان » ، ذیـل آیـــه مـوردبحـــث .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۷۵)

هدف نهایی قرآن، عمل به محتــوای آن است

اِنّــا اَنْـزَلْنـهُ قُـــرْءنـا عَـــرَبِیّـا لَعَلَّکُـمْ تَعْقِلُـــــونَ

ما آن را قــرآن عربـی نـازل کردیـم تا شما درک کنیـد. (۱)

هدف تنها قرائت و تلاوت و تیمّن و تبرّک با خواندن آیات آن نیست ، بلکه هدف نهایی درک است ، درکـی نیرومند و پرمایه که تمـام وجـود انسان را به سوی عمل دعوت کند. اما عربی بودن قرآن علاوه بر این‌که زبان عربی به شـهادت آن‌ها که اهل مطالعه در زبان‌های مختلف جهانند ، آن‌چنان زبان وسـیعی است که می‌تواند ترجمان لسان وحی باشد و مفاهیم و ریزه کاری‌های سخنان خدا را بازگو کند ، علاوه بر این ، مسلم است که اسلام از جزیره عربستان از یک کانون تاریکی و ظلمت و توحش و بربریت طلوع کرد و در درجه اول می‌بایست مردم آن سامان را گرد خود جمع کند ، آن‌چنان گویا و روشن باشد که آن افراد بی‌سواد و دور از علم و دانش را تعلیم دهد و در پرتو تعلیمش دگرگون سازد و یک هسته اصلـی برای نفوذ این آیین در سایر مناطق جهان به وجود آورد. البته قرآن با این زبان برای همه مردم جهان قابل فهم نیست (و به هر زبان دیگری بود نیز همین گونه بود) زیرا ما یک زبان جهانی که همه مردم دنیا آن را بفهمنـد نـداریم ، ولی این مانع از آن نخواهـد شد که سایر مردم جهان از ترجمه‌های آن بهره گیرند و یا از

آن بالاتر با آشنایی تدریجی به این زبان ، خود آیات را لمس کنند و مفاهیم وحی را از درون همین الفاظ درک نمایند. به هر حال تعبیر به « عربی بودن » که در ده مورد از قرآن تکرار شده پاسخی است به آن‌ها که پیامبر را متهم می‌کردند که او این آیات را از یک فرد عجمی یاد گرفته و محتوای قرآن یک فکر وارداتی است و از نهاد وحی نجوشیده است. ضمنا این تعبیرات پی در پی این وظیفه را برای همه مسلمانان به وجود می‌آورد که همگی باید بکوشند و زبان عربی را به عنوان زبان

۱- ۲ / یوسف .

(۷۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

دوم خود به صورت همگانی بیاموزند از این نظر که زبان وحی و کلید فهم حقایق اسلام است .

قرآن باید در متن زندگی همه مردم حضور داشته باشد

فَـاِنَّمـا یَسَّـرْنـاهُ بِلِسـانِـکَ لَعَلَّهُـمْ یَتَـذَکَّـرُونَ

ما آن (قرآن) را بر زبان تو آسان ساختیم، تا متذکر شوند .(۱)

با این‌که محتوایش فوق‌العاده عمیق و ابعادش‌بسیار گسترده است ، اما ساده ، روان ، همه‌کس فهم و قابل استفاده برای همه قشرها می‌باشد ، مثال‌هایش زیبا ، تشبیهاتش طبیعی و رسا ، داستان‌هایش واقعی و آموزنده ، دلایلش روشن و محکم ، بیانش ساده و فشرده و پرمحتوا و در عین حال شیرین و جذاب ، تا در اعماق قلوب انسان‌ها نفوذ کند ، بی‌خبران را آگاه و دل‌های آماده را متذکر سازد .

آیات فوق به‌خوبی نشان می‌دهد که قرآن مجید تعلق به قشر و گروه خاصی ندارد، بلکه برای فهم و تذکر و پندگیری عموم است ، بنابراین آن‌ها که قرآن را در پیچ‌وخم‌مفاهیم مبهم‌ومسائل‌نامفهومی قرارمی‌دهندکه درک‌آن‌تعلق‌به‌قشر خاصی دارد و حتی‌آن قشرهم‌چیزی‌ازآن نمی‌فهمند، در حقیقت از روح قرآن غافلند .

قرآن باید در زندگی همه مردم حضور داشته باشد

در شهر و روستا، در خلوت و جمع ، در دبستان و دانشگاه ، در مسجد و میدان جنگ و در همه‌جا ، چراکه « خداوند آن را سهل و ساده و روان ساخته تا همگان متذکر شوند » .

و نیز این آیه قلم بطلان بر افکار کسانی که قرآن را در طرز تلاوت و پیچ و خم قواعد تجوید خلاصه کرده و تنها همتشان ، ادای الفاظ آن از مخارج و رعایت آداب وقف و وصل است ، می‌کشد و می‌گوید : همه این‌ها برای تذکر است ، تذکری که عامل حرکت و سازندگی در عمل شود ، رعایت ظواهر الفاظ در

۱- ۵۸ / دخان .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۷۷)

جای خود صحیح ولی هدف نهایی ، معانی است نه الفاظ.

با آیات قرآن درجهت منافع خود، گزینشی رفتارنکنید

وَ قُلْ اِنّی اَنَا النَّذیرُ الْمُبینُ و بگو من انذار کننده آشکارم .(۱)

کَما اَنْزَلْنا عَلَی الْمُقْتَسِمینَ

(ما بر آن‌ها عذابی می‌فرستیم) همان‌گونه که بر «تجزیه گران» (آیات الهی) فرستادیم .(۲)

اَلَّـذینَ جَعَلُوا الْقُـرانَ عِضینَ

همـان‌هـا کـه قـرآن را تقسـیـم کردنـد (آن‌چـه به‌سودشـان بـود پذیرفتنـدو آن‌چـه بـرخـــلاف هـوس‌هـایشــان بــود تـرک نمـودنـد) .(۳)

قرآن راه مستقیم خوشبختی

اِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدی لِلَّتی هِیَ اَقْوَمُ وَ یُبَشِّرُ الْمُؤْمِنینَ الَّذینَ یَعْمَلُونَ الصّالِحـاتِ اَنَّ لَهُـــمْ اَجْـرا کَبیـرا

این‌قرآن به‌راهی هدایت‌می‌کنـد که متین‌ترین راه‌ها استو به مؤمنانی که عمل صـــالـح انجـام می‌دهنـد بشـارت می‌دهـد که برای آن‌ها پاداش بزرگی است .(۴)

« اَقْوَمُ » از ماده « قیام » گرفته شـده است و از آن‌جا که انسان به هنگامی که می‌خواهـد فعالیت پی‌گیری انجام دهد قیام می‌کند و به کار می‌پردازد از این نظر قیام کنایه از حسن انجام امور و آمادگی برای فعالیت آمده است ، ضمنا « استقـامت » کـه از همیــن ماده گرفته شده است و « قَیِّم » که آن‌هم از این ماده است به معنی ثابت و پابرجا است .

۱- ۸۹ / حجر .

۲- ۹۰ / حجر .

۳- ۹۱ / حجر .

۴- ۹ / اسراء .

(۷۸) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

واز آن‌جا که « اَقْوَمُ » صـیغه « افعل تفضیل » است به معنی پابرجاتر می‌آید و به این ترتیب ، مفهوم آیه فوق چنین است که « قرآن به طریقه‌ای که پابرجاترین راه است دعوت می‌کنـد » .

محکم‌تر و پابرجاتر از نظر عقایـدی که عرضه می‌کنـد ، عقایـدی روشن ، قابل درک خالی از هرگونه ابهام و خرافات ، عقایدی که دعوت به عمـل دارد ، نیروهـای انسانی را بسیج می‌کنـد و میان انسان و قوانین عالم طبیعت هماهنگی برقرار می‌سازد. آری قرآن به طریقه و روشی هدایت می‌کند که در تمام زمینه‌ها ثابت‌ترین طریقه است .

تعبیـر بـه بشــارت در مـورد مؤمنـان دلیلش روشـن اسـت ، ولی در مورد افراد بی‌ایمان و طغیانگر در حقیقت یک نوع استهزاء است و یا بشارتـی است بـرای مؤمنـان کـه دشمنانشـان به چنیـن سرنوشتـی گـرفتـار می‌شونـد .

قرآن‌مایه‌حیات دل‌هاوزندگی‌جان‌هاست

وَکَذلِکَ اَوْحَینا اِلَیْکَ‌رُوحـا مِنْ‌اَمْرِنـا ماکُنْتَ تَـدْریمَاالْکِتابُ وَ لاَ الْایمانُ وَلکِنْ جَعَلْنــاهُ نُــورا نَهــدی بِــه مَـنْ نَشــاءُ مِنْ عِبادِنا وَاِنَّکَ لَتَهْدی اِلی صِراطٍمُسْتَقیم

همان‌گونه که برپیامبران پیشین‌وحی فرستادیم برتونیز روحی‌را به‌فرمان‌خود وحـــی کـردیــم، تو پیش از این نمـی‌دانستـی کتـاب و ایمـان چیسـت ؟ (و از محتوای قرآن آگـاه نبـودی) ولی مـا آن را نـوری قرار دادیـم کـه به‌وسـیله آن هـرکس از بنـدگـان خـویش را بخـواهیـم هــدایت می‌کنیم و تو مسلما بـــه ســوی راه مستقیـم هــدایـت می‌کنــی . (۱)

تعبیر به « کَذلِکَ » (این‌گونه) ممکن است اشـاره به این باشـد که تمـام انواع سه‌گانه وحی که در آیه قبل آمـده برای پیامبراسـلام صلی‌الله‌علیه‌وآله تحقق یافت ، گاه مستقیما

۱- ۵۲ / شوری .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۷۹)

بـا ذات پـاک پروردگـار ارتبـاط می‌یـافت و گـاه از طریق فرشـته وحی و گـاه با شـنیدن آوازی شبیـه امـواج صوتـی ، چنـان‌کـه در روایـات اسلامـی نیـز اشـاره بـه همـه ایـن‌هـا شـده و شـرح آن را ذیل آیه گذشته بیـان کردیـم .

در ایـن کـه منظـور از «رُوح» در ایـن جـا چیسـت ، دو قـول در میـان مفسـران دیـده می‌شـود:

نخسـت ایـن‌کـه منظور از آن قـرآن مجیـد اسـت که مایـه حیـات دل‌ها و زندگـی جان‌هـا است، ایـن قول را غالـب مفسـران برگزیـده‌انـد .(۱)

راغب در مفردات نیز می‌گوید : « سُمِّیَ الْقُرْآنُ رُوحا فی قَوْلِهِ وَ کَذلِکَ اَوْحَیْنا اِلَیْکَ رُوحا مِنْ اَمْرِنا و ذلِکَ لِکَوْنِ الْقُرْآنِ سَبَبا لِلْحَیاةِ الْأُخْرَوِیَّةِ : قرآن در آیـه : وَ کَذلِکَ اَوْحَیْنا ... روح نامیده شـده ، زیـرا سبب حیـات اخروی است » .

این معنی بـا قرائن مختلفی که در آیه وجـود دارد ماننـد تعبیر به « کَذلِـکَ » که اشـاره به مسأله وحی است و تعبیر به « اَوْحَیْنـا » و همچنین تعبیراتـی که دربـاره قرآن در ذیل همین آیه آمده است ، کاملاً سازگار است .

گرچه « روح » در سایر آیات قـرآن غالبـا بـه معانـی دیگـری آمـده اسـت ، ولی با توجه به قرائن فوق ظاهر این است که روح در ایـن‌جـا به معنی قرآن است .

در تفسیر آیه ۲ سوره نحل : « یُنَزِّلُ الْمَلائِکَةَ بِالرُّوحِ مِنْ اَمْرِه عَلی مَـنْ یَشـاءُ مِنْ عِبـادِه » نیز گفتیم که قرآن نشان می‌دهد « روح » در آن آیه نیز بـه معنـی « قرآن و وحـی و نبـوت » اسـت و در حقیقـت ایـن دو آیه یکدیگر را تفسیر می‌کنند .

چگـونه « قرآن » به‌منزلـه « روح » نباشـد ، در حـالی‌که در آیه ۲۴ انفـال می‌خوانیم : «یـا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اسْتَجیبُوا لِلّهِ وَ لِلرَّسُولِ اذا دَعـاکُمْ لِما یُحْییکُمْ : ای کسانی که ایمـان آورده‌ایـد، اجابت کنیـد دعـوت خـدا و پیامبرش را هنگامی که شـما را به‌سوی چیزی فرامی‌خواند که مایه حیات شما است » .

۱- « طبرسی » در « مجمع البیان » ، « شیـخ طـوسـی » در « تبیـان » .

(۸۰) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

در دنبـالـه آیـه مـی‌افـزایـد : « مـا کُنْـتَ تَـدْری ... » .

ایـن لطـف خـدا بـود که شـامل حال تو شد و این وحی آسمانی بر تو نـازل گشـت و ایمـان به تمـام محتـوای آن پیـدا کـردی .

اراده خداوند بر این تعلق گرفته بود که علاوه بر هدایت تو به این کتاب بزرگ آسمانی و تعلیمات آن ، بندگان دیگرش را در پرتو این نور آسمانی هدایت کند و شرق و غرب جهان بلکه تمام قرون و اعصار را تا پایان زیر پوشش آن قرار دهد .

بعضـی از کج‌انـدیشان چنین پنداشته‌اند که این جمله نشان می‌دهد، پیامبر قبل از نبوت ایمان به خدا نداشت، در حالی که معنی آیه روشن است، می‌گویـد : قبـل از نـزول قـرآن ، قـرآن را نمـی‌دانسـتـی و بـه محتـوا و تعلیمـات آن آگـاهی و ایمان نـداشتی ، این تعبیر هیچ منافاتی با اعتقاد توحیدی پیامبر و معرفت عالی او و آشنائیش به‌اصول عبادت و بندگی او ندارد، خلاصه عدم آگاهی به محتـوای قـرآن مطلبـی اسـت و عـدم معرفة اللّه مطلب دیگر .

زنـدگی شـخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قبل از دوران نبـوت که در کتب تاریـخ آمـده است ، نیز گواه زنـده بر این معنی است و از آن روشن‌تر و بارزتر سـخنی است که از امیر مؤمنان علی در « نهج البلاغه » آمده : « وَ لَقَدْ قَـرَنَ اللّهُ بِه صلی‌الله‌علیه‌وآله مِنْ لَـدُنْ اَنْ کـانَ فَطیمـا اَعْظَـمَ مَلَـکٍ مِنْ مَلائِکَتِه ، یَسْلُـکُ بِـه طَریـقَ الْمَکـارِمِ وَ مَحاسِـنَ اَخْلاقِ الْعالَمِ ، لَیْلَـهُ وَ نَهـارَهُ: از همـان زمـان کـه رسـول خـدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از شیـر باز گرفته شد ، خداونـد بزرگ‌تریـن فرشتـه از فرشتگان را با او قرین ساخت ، تا شب و روز وی را بـه راه‌هـای مکـارم و طرق اخلاق نیک سوق دهد » .(۱)

در پایان آیه می‌افزاید : « وَ اِنَّـکَ لَتَهْـدی اِلـی صِـراطٍ مُسْتَقیمٍ » .

نه تنها قرآن نوری برای تو است که نوری برای همگان است و وسیله هدایتی برای جهانیان به سوی صراط مستقیم ، این یک موهبت عظیم الهی است ،

۱- «نهج البلاغه»، خطبه ۱۹۲، خطبه قاصعهٔ.

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۸۱)

برای رهروان راه حق و آب حیاتی است برای همه تشنه‌کامان .

همین معنی به تعبیر دیگری در آیه ۴۴ سوره فصلت آمده : « قُلْ هُوَ لِلَّذینَ امَنُوا هُدًی وَ شِفاءٌ وَ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ فی اذانِهِمْ وَقْرٌ : بگو این کتاب برای کسانی که ایمان آورده‌اند ، مایه حیات و شفا است و کسانی که به آن ایمان نمی‌آورند گوشهایشان سنگین است » .

درمان و نوسازی در پرتو قرآن

وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْانِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنینَ وَ لا یَزیدُ الظّالِمینَ اِلّا خَسارا

قرآن را نازل می‌کنیم که شفا و رحمت برای مؤمنان است و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید.(۱)

« شِفاء » معمولاً درمقابل بیماری‌ها و عیب‌ها و نقص‌ها است ، بنابراین نخستین کاری که قرآن در وجود انسان‌ها می‌کند همان پاک‌سازی از انواع بیماری‌های فکری و اخلاقی فرد و جامعه است .

پس از آن مرحله « رَحْمَت » فرامی‌رسد که مرحله تخلق به اخلاق الهی و جوانه زدن شکوفه‌های فضایل انسانی در وجود افرادی است که تحت تربیت قرآن قرار گرفته‌اند .

به تعبیر دیگر «شِفاء» اشاره به «پاکسازی» و «رحمت» اشاره به «نوسازی» است و یا به تعبیر فلاسفه و عرفاء اولی به مقام « تَخْلِیَة » اشاره می‌کند و دومی به مقام « تَحْلِیَة » .

۱- ۸۲ / اسراء .

(۸۲) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

قرآن به زبان آسان نازل شده است

فَاِنَّما یَسَّرْناهُ بِلِسانِکَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقینَ وَ تُنْذِرَ بِه قَوْما لُدّا

ما قرآن را بر زبان‌تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را به وسیله‌آن بشارت دهی و دشمنان سرسخت را انذار کنی . (۱)

« لُدّ » جمع « اَلَدّ » به معنی دشمنی است که خصومت شدید دارد و به کسانی گفته می‌شود که در دشمنی کردن متعصب ، لجوج و بی‌منطق هستند .

« یَسَّرْناهُ » از ماده « تَیْسیر » به معنی تسهیل است ، خداوند در این جمله می‌فرماید : « ما قرآن را بر زبان تو آسان کردیم تا پرهیزکاران را بشارت دهی و دشمنان سرسخت را انذارکنی» این تسهیل ممکن است ازجهات مختلف بوده باشد :

۱ـ از این نظر که قرآن ، عربی فصیح و روانی است که آهنگ آن در گوش‌ها دل‌انگیز و تلاوت آن بر زبان‌ها آسان است .

۲ـ ازنظراین که‌خداوندآن‌چنان تسلطی‌به پیامبرش برآیات‌قرآن، داده‌بود که به آسانی و در همه جا و برای حل هر مشکل، از آن استفاده می‌کرد و پیوسته بر مؤمنان تلاوت می‌نمود .

۳ـ از نظر محتوا که در عین عمیق و پر مایه بودن درک آن سهل و ساده و آسان است ، اصولاً آن همه حقایق بزرگ و برجسته که

در قالب این الفاظ محدود با سهولت درک معانی ریخته شده، خود نشانه‌ای است از آن‌چه در آیه فوق می‌خوانیم که بر اثر یک امداد الهی، صورت گرفته است .

در سوره قمر در آیات متعدد این جمله تکرار شده است : « وَ لَقَدْ یَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّکْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّکِرٍ : ما قرآن را برای تذکر و یادآوری آسان کردیم آیا پند گیرنده‌ای هست » .

۱– ۹۷ / مریم .

قرآن شفادهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت‌انگیز را بزداید

نُورا لا تَطْفَأُ مَصابیحُهُ ، وَ سِراجا لا یَخْبُو تَوَقُّدُهُ وَ بَحْرا لا یُدْرَکُ قَعْرُهُ ، وَ مِنْهاجا لا یُضِلُّ نَهْجُهُ ، وَ شُعاعا لا یُظْلِمُ ضَوْؤُهُ ، وَ فُرْقانا لا یُخْمَدُ بُرْهانُهُ ، وَ تِبْیانا لا تُهْدَمُ اَرْکانُهُ ، وَ شِفاءً لا تُخْشی اَسْقامُهُ ، وَ عِزّا لا تُهْزَمُ اَنْصارُهُ ، وَ حَقّا لا تُخْذَلُ اَعْوانُهُ . فَهُوَ مَعْدِنُ الْایمانِ وَ بُحْبُوحَتُهُ ، وَ یَنابیعُ الْعِلْمِ وَ بُحُورُهُ ، وَ ریاضُ الْعَدْلِ وَ غُدْرانُهُ ، وَأثَافِیُّ الْاِسْلامِ وَ بُنْیانُهُ ، وَ اَوْدِیَةُ الْحَقِّ وَ غیطانُهُ . وَ بَحْرٌ لا یَنْزِفُهُ الْمُسْتَنْزِفُونَ ، وَ عُیُونٌ لا یُنْضِبُها الْماتِحُونَ ، وَ مَناهِلُ لا یَغیضُها الْوارِدُونَ ، وَ مَنازِلُ لا یَضِلُّ نَهْجَهَا الْمُسافِرُونَ ، وَ اَعْلامٌ لایَعْمی عَنْهَاالسّائِرُونَ ، وَ آکامٌ لا یَجُوزُ عَنْهَا الْقاصِدُونَ . جَعَلَهُ اللّهُ رِیّا لِعَطَشِ الْعُلَماءِ ، وَ رَبیعا لِقُلُوبِ الْفُقَهاءِ ، وَ مَحاجَّ لِطُرُقِ الصُّلَحاءِ ، وَ دَواءً لَیْسَ بَعْدَهُ داءٌ ، وَ نُورا لَیْسَ مَعَهُ ظُلْمَةٌ(۱) ، وَ حَبْلاً وَثیقا عُرْوَتُهُ ، وَ مَعْقِلاً مَنیعا ذِرْوَتُهُ، وَ عِزّا لِمَنْ تَوَلّاهُ ، وَ سِلْما لِمَنْ دَخَلَهُ ، وَ هُدًی لِمَنِ ائْتَمَّ بِه ، وَ عُذْرا لِمَنِ انْتَحَلَهُ، وَ بُرْهانا لِمَنْ تَکَلَّمَ بِه ، وَ شاهِدا لِمَنْ خاصَمَ بِه ، وَ فَلْجا لِمَنْ حاجَّ بِه ، وَ حامِلاً لِمَنْ حَمَلَهُ ، وَ مَطِیَّةً لِمَنْ اَعْمَلَهُ ، وَ آیَةً لِمَنْ تَوَسَّمَ ، وَ جُنَّةً لِمَنِ اسْتَلْاَمَ ، وَ عِلْما لِمَنْ وَعی ، وَ حَدیثا لِمَنْ رَوی ، وَ حُکْما لِمَنْ قَضی

قرآن نوری است که خاموشی ندارد ، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد ، دریایی است که ژرفای آن درک نشود ، راهی است که رونده آن گمراه نگردد ، شعله‌ای است که نور آن تاریک نشود ، جداکننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد ، بنایی است که ستون‌های آن خراب نشود ، شفادهنده‌ای است که بیماری‌های وحشت‌انگیز را بزداید ، قدرتی است که یاورانش شکست ندارند و حقّی است که یاری‌کنندگانش مغلوب نشوند .

قرآن ، معدن ایمان و اصل آن است ، چشمه‌های دانش و دریاهای علوم است ، سرچشمه عدالت و نهر جاری عدل است، پایه‌های اسلام و ستون‌های محکم آن

۱. نهج البلاغه : خطبه ۱۹۸ ، شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید : ۱۰/۱۹۹ .

است، نهرهای جاری زلال حقیقت و سرزمین‌های آن است .

دریایی است که تشنگان آن ، آبش را تمام نتوانند کشید و چشمه‌ای است که آبش کمی ندارد، محل برداشتِ آبی‌است که هرچه ازآن برگیرند کاهش نمی‌یابد، منزلی‌است‌که مسافران راه آن را فراموش نخواهند کرد و نشانه‌هایی است که روندگان از آن غفلت نمی‌کنند، کوهسار زیبایی است که از آن نمی‌گذرند .

خدا قرآن را فرو نشاننده عطش علمی دانشمندان و باران بهاری برای قلب فقیهان و راه گسترده و وسیع برای صالحان قرار داده است . قرآن دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد ، نوری است که با آن تاریکی یافت نمی‌شود ، ریسمانی است که رشته‌های آن محکم ، پناهگاهی است که قلّه آن بلند و توان و قدرتی است برای آنکه قرآن را برگزینند ، محل امنی است برای هرکس که وارد آن شود ، راهنمایی است تا از او پیروی کند، وسیله انجام وظیفه است برای آنکه قرآن را راه و رسم خود قرار دهد ، برهانی است بر

آن کس که با آن سخن بگوید ، عامل پیروزی است برای آن کس که با آن استدلال کند ، نجات‌دهنده است برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند و راهبر آن که آن را به کار گیرد و نشانه هدایت است برای آن کس که در او بنگرد ، سپر نگهدارنده است برای آن کس که با آن خود را بپوشاند و دانش کسی است که آن را به خاطر بسپارد و حدیث کسی است که از آن روایت کند و فرمان کسی است که با آن قضاوت کند . (۱)

وَاللّهَ اللّهَ فِي الْقُرْآنِ ، لاـ يَسْـبِقُكُمْ بِالْعَمَـلِ بِهِ غَيْرُكُمْ . خـدا را ! خـدا را ! دربـاره قـرآن ، مبـادا دیگـران در عمـل کـردن بـه دستوراتش از شمـا پیشـی گیرنـد . (۲)

وَ تَمَسَّكْ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ وَ اسْتَنْصِـحْهُ ، وَ اَحِلَّ حَلالَهُ ، وَ حَرِّمْ حَرامَهُ . به ریسمان قـرآن چنگ زن و از آن نصیحت‌پذیر ، حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمار . (۳)

۱. «نهـــج البـــلاغـــه» ، خطبـــه ۱۹۸ .

۲. «نهج البلاغه» ، نامه ۴۷ .

۳. «نهـج البلاغـه» ، نامه ۶۹ .

قرآن از دیدگاه قرآن و عترت (۸۵)

ارتباط با قرآن برای همگان به سادگی فراهم است

وَ لَقَـدْ يَسَّـرْنَـا الْقُـرْآنَ لِلـذِّكْـرِ فَهَـلْ مِنْ مُـدَّكِرٍ

ما قرآن را برای تذکر آسان ساختیم ، آیا کسی هست کـه متذکـر شود ؟ (۱)

آری این قرآن هیچ پیچیدگی ندارد و شرایط تأثیر در آن جمع است ، الفاظش شیرین و جـذاب ، تعبیراتش زنده و پرمعنی ، انذارها و بشارت‌هایش صریح و گویا ، داستان‌هایش واقعی و پرمحتوا، دلایلش قوی و محکم ، منطقش شیوا و متین ، خلاصه آن‌چه لازمه تأثیر گذاردن یک سخن است ، در آن جمع است و به همین دلیل هر زمان دل‌های آماده با آن تماس یابد ، مجذوب آن می‌شود و در طول تاریخ اسلام نمونه‌های عجیب و شگفت‌انگیزی از تأثیر عمیق قرآن در دل‌های آمـاده دیـده می‌شود که شاهد گویای این امر است .

ولـی چه می‌توان کرد هنگامی که نطفه حیاتی یک بـذر مرده باشد ، اگر در بهترین زمین‌ها آن را جـای دهنـد و از آب کوثـر زیـر نظر بهتریـن باغبان‌ها آبیـاری کننـد ، هرگـز نمـو نخـواهـد کرد و گل و گیـاهـی از آن نمـی‌رویـد .

۱ـ ۱۷ / قمر .

(۸۶) قرآن از دیدگاه قرآن و عترت

بسم اللّه الرحمن الرحیم

وَ عَنْ رَسولِ اللّه صـلی‌الله‌علیه‌وآله : قالَ مَنْ رَفَعَ قِرْطاسامِنَ الاَـرْضِ مَكتوبـا فيـهِ اسْـمُ اللّهِ اِجْلالاًـ لِلّه وَلاِسْـمِهِ مِنْ اَنْ يُداسَ كانَ عِنْـدَاللّهِ مِنَ الصِّدّيقينَ وَ خُفِّفَ عَنْ والِدَيْهِ وَاِنْ كانا مُشْرِكَيْنِ

باب پنجاه و یکم فی‌الخبار النبی والائمه صفحه ۱۹۳ جلد یکم عربی بیروت

از رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله

هر که کاغـذی (یا چیز دیگری) که از نامهای خـدا در آن ثبت و نوشـته شـده باشـد از زمین بردارد که زیرپا نماند برای تجلیل اسم پروردگار، خداوند او را جزو صدیقان محسوب می‌فرمایدوتخفیفی درعذاب پدرومادراو عنایت فرماید اگر چه مشرک باشند.

ارشاد القلوب دیلمی ـ جلد ۲

باب پنجاه و یکم ـ صفحه ۲۵۲

یک توجه مختصر مشهود می‌سازد که «بِسْمِ‌اللّهِ‌الرَّحْمنِ‌الرَّحیم» دارای سه نام نیکوی الهی است و از قول رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که هر کس یک بار «بِسْمِ‌اللّهِ‌الرَّحْمنِ‌الرَّحیم»بگوید چنین است که چهار هزار عمل نیکو انجام‌داده باشد.

و هر کس نوشته‌ای‌را که این‌نام‌مبارک برآن باشد از زمین برگیرد جزء صدیقان یعنی راستگویان و راستکرداران در اوامر الهی نامش ثبت می‌شود. و حتی خداوند گناهان والدین او را هم تخفیف می‌دهد. نامها و صفتهای خدای رحیم در قرآن کریم ـ صفحه ۱۱۰ به نقل از کتاب کشف الاسرار

برادران و خواهران خوب و مسلمانم، از روزنامه‌ها و سایر نوشته‌ها که آیات قرآن کریم در آنها چاپ

شده است در کارهای نادرست و پست استفاده نشود که در زباله‌دانها ریخته شود.

لطفا توجه بیشتری به متن دو حدیث بنمائید.

علی اصغر سلیم

(۸۷)

فهرست منابع

۱ ـ قرآن کریم ۱۷ ـ مصباح الشریعه

۲ ـ نهج البلاغه ۱۸ـ الاختصاص

۳ ـ قرآن‌شناسی جوان، محمد بیستونی ۱۹ـ فی لسان المیزان

۴ ـ سفینهٔ‌البحار، شیخ عباس قمی ۲۰ـ ثواب الاعمال

۵ ـ میزان الحکمهٔ، آیهٔ‌اللّه ری‌شهری ۲۱ـ منیهٔ المرید

۶ ـ البحار ۲۲ـ تفسیرالمیزان

۷ ـ نوادرراوندی ۲۳ـ الدّر المنثور

۸ ـ تفسیر عیاشی ۲۴ـ الصحیفهٔ السجادیهٔ

۹ ـ غرر الحکم ۲۵ـ تنبیه الخواطر

۱۰ـ الکافی ۲۶ـ الترغیب والترهیب

۱۱ـ المحاسن ۲۷ـ جامع الاخبار

۱۲ـ الفقیه ۲۸ـ الخصال

۱۳ـ تحف العقول ۲۹ـ مستدرک الوسائل

۱۴ـ راجع البحار ۳۰ـ ثواب الاعمال

۱۵ـ عیون اخبار الرضا ۳۱ـ الدعوات راوندی

۱۶ـ معانی الاخبار

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکَمْ وَ أَنْفُسِکَمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکَمْ خَیْرٌ لَکَمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سـایت: www.ghaemiyeh.com ایمیـل: Info@ghaemiyeh.com فروشـگاه اینترنـتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹